نامه‌نویسی



نامه نویسی





کتابفروشی کابل

اسم کتاب : نامه نویسی
تالیف وتدوین از : محمد عبدالصبور طالب
تاریخ چاپ : ۱۵ عقرب ۱۳۷۴
نوبت چاپ : سوم
تعداد: ۱۰۰۰ جلد
ناشر: کتابفروشی کابل

قیمت :

فهرست

عنوان	صفحه

فهرست

عنوان	صفحه

فهرست

عنوان	صفحه

فهرست

عنوان	صفحه

بسم الله الرحمن الرحيم

ن ، والقلم ومايسطرون- خداوند جل جلا له به قلم و آنچه قلم مي نويسد سوگند ياد مي كندو مي فر مايد به اين معني كه : قسم به نون و قسم به قلم و آنچه خواهد نگاشت .

سوگند خداوند عز وجل به قلم و آنچه را كه قلم مي نويسد ، نه تنها اهميت و مقام قلم را باز گو مي كند بلكه، وانمود كننده آنست كه انسان نميتواند جُز ازطريق نگارش به كسب و تعليم علم و معارف پرداخته و يا گنجينه هاي اسرار دانشمندي را براي ديگران انتقال دهد ، باري اگر گفته شود كه قلم در زندگی از اهميت به سزاي بر خور دار است و كليد پخش علوم انساني است و انسان نميتواند جزازطريق نگارش خدمتي در ساحهٔ دانش انجام دهد مبالغه نخواهد بود .

محيط آوارگي مشكلات و مصائبي دارد ، بيخانگي و حوادث روزگار نه تنها ما را با بد بختي هاي زندگی روبرو گردانيده است بلكه، سبب گرديده است تا جوا نان ما ازكسب دانش دور باشند وبجاي آنكه براي فرا گرفتن علم روبه مدرسه و دانشگاه آورند ، تفنگ و سلاح بدست گيرند وبا دشمنان دين و نيرومند ترين دولت استعماري جهان به جنگ برخيزند همين سبب است قبل از آنكه جوا نان ما راه مدرسه را در پيش گيرند ، مجبور ميشوند طريق معركه را متــوجه گردند ، و جوا نان ايثار مند ما از كسب علم و دانش بدور باشند و لي احتياج مندي سبب گرديده است و شاهديم كه جوا نان ما براي شيوهٔ مكتوب نويسي و يا مكتوبي كه بتواند براي آنها اقلاً سر مشقی شده بتواند ، ضرورت مبرم حس مي نمودند و همه وقت از چنين رساله و كتابي كه از گذشته ها بميراث رسيده است ، مي پر سيدند ، از آنجاي كه طرز مكتوب نويسي گذشتگان جواب گوي ضروريات امروزي شده نميتواند خواستيم تا اين مشكل جوانان را اقلاً بتوانيم توسط اين رساله حل

گردانیم و ضمن طرز نامه نگاري آنها را با مطالب ارزنده ديني و اجتماعي آشنا گردانیم و پهلو هاي فلسفی زندگی آوارگي و امور مربوط به جهاد ما را نیز بر ملا گرداند یعني همانطوریکه کتابي باشد براي فرا گرفتن طرز نامه نگاري بتواند انتقا دات سالم و سازنده و موضوعات آموزنده را نیز احتوا ء نماید .

روی همین ضرورت کتابفروشي کابل تسوید چنین یك کتاب را به شوراي انجمن تألیف و ترجمه پیشنهاد نموده و شوراي موصوف به همکاري دسته از اعضاي خود، نوشتن چنین کتابي را بعهده گرفتند که اینك کتاب مذکور بدسترس جوا نان عزیز قرار مي گیرد و ما امید واریم این کتاب هر چند که مطالب آن به سرعت تسوید و نوشته شده است بتواند گوشه از مشکلات جوا نان ما را برطرف گرداند.

قابل تذکر است گفته شود که :

کتاب نامه نویسي داراي دو بخش بوده که بخش اول اُن به چگونگی نشانه و علامه گذاری اختصاص یافته که باید در حین نوشتن از آن پیروي گردد و قسمت دوم کتاب مشتمل است به نامه ها ، دعوت نامه ها ، عرایض ، تسلیت نامه ها ، و صیت نامه ها ، طرز نگارش، قباله جائزي و امثال آن .

کتاب فروشي کابل امید وار است این کتاب رهنماي خوب و مفیدي در فن نا مه نگاری براي جوا نان عزیز ما باشد ، یقین است که هیچ اثر و نوشته ي نیست که خالي از نواقص باشد ما امید واریم خوانندگان محترم از نظریات اصلاحی و انتقادات سالم و سازنده خویش بر ما منت بگذارند تا از نظر یات شما در طبع آینده ویا جلد دوم فن نامه نگاري استفاده گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

اداره کتاب فروشي کابل

مقدمهء چاپ سوم

بنام خداوند مهربان

کتابفروشی کابل به سلسلهء انجام خدمات فرهنگی و علمی خویش کتب متعدد دینی، سیاسی و ادبی را غرض استفادهء عموم، چاپ و به نشر رسانده است چنانچه کتاب حاضر که تحت مطالعهء شما قرار دارد نیز از جملهء نشرات این مؤسسه بوده که قبلاً چندین بار نشرشده است.

باید تذکر داد که به اثر تقاضای مکررخواننده گان عزیز، متن کتاب مجدداً تحت مطالعه‌وتدقیق قرار گرفت – قسمت عمدهء مطالب آن که باشرائط وقت و زمان سازگاری نداشت صرف نظر به عمل آمد وبه عوض آن نامه ها ونوشته های جالب و مفید از نویسنده-گان متعدد افغانی و ایرانی جمع آوری گردید تا باشد خواننده گان گرامی از آن بهرهٔ کافی بردارد، گرچه حین تدوین کتاب سعی و تلاش به عمل آمده با آنهم به مشوره، هدایات و رهنمائی اهل دانش نیاز مندی شدید داریم امید است درین امر مارا یاری نمائید تا در چاپهای بعدی به اصلاح نواقص خویش بپردازیم.

وَمِنَ اللّٰهِ التَّوفِيق

محمد عبد الصبور «طالب»

خیبر بازار، پیښور

۱۵ سرطان ۱۳۷٤ هـ ش

قواعد نقطه گذاری

مقصود از« نقطه گذاری» (سجاوندي) ، به کار بردن علامتها و نشانه هايي است که خواندن و در نتيجه فهم درست مطالب را آسان وبه رفع پاره اي ابهامها ؛ ازجمله ابهامهايي که ناشي از عدم انعکاس عناصر گفتاري در نوشته است کمك مي کند .

اين علامتها در زبان فارسي سابقهء چنداني ندارد و در اين يکي دو قرن اخير به پيروي از نوشته هاي مغرب زمين در زبان فارسي نيز معمول شده است . بديهي است در استفادزه از اين علايم و نشانه ها بايد از افراط و تفريط پر هيز کرد وباتوجه به ساختمان و جمله بندي زبان فارسي آنها را به کار گرفت .

نشانه هاي معمول و متداول درزبان فارسي از اين قرار است :

١ - نقطه (.)

موارد استفاده از نقطه به قرارزير است :

الف - در پايان جمله هاي کامل خبري يا انشايي ، مانند :

- ابن سينا، يکي از دانشمندان بزرگ ايران است .
- شايد که چنين توفاني نورا با خود ببرد.

ب - پس از هر حرفي كه به صورت نشانهء اختصاري به كار رفته باشد ، مانند :

- ارسطو متوفي به سال ۳۲۲ق.م. (قبل از میلاد مسیح)
- ابن سينا متوفي به سال ٤۲۸ هـ .ق. (هجری قمري)
- ج. آل احمد (جلال آل احمد)
- م. سرشك (محمد رضا شفيعي كدكني)

چنین است در كلمه هاي خارجی :

- پست و تلگراف وتلفن .P.T.T
- انجمن ملي حمايت كودكان .O.N.P.E

توضیح : هرگاه دو جملهء كامل با « واو» به یکدیگر عطف شوند، نقطه در پا يان جملهء دوم گذاشته مي شود ، مانند :

- دلم گرفته بود و هیچ چیز مرا نمي توانست از هجوم خاطره هاي آزاردهنده بر هاند

۲ - ويرگول (،)

ويرگول نشانهء توقف يا درنگ كوتاهي است كه در موارد زير به كار مي رود :

الف - ميان عبارتها يا جسله هاي غير مستقلي كه در مجموع يك جملهء كامل را تشكيل مي دهد ، مانند :

- پس از سالها انتظار ، با لآخره دیروز بعد از ظهر ، آن عزیز سفر کرده از راه رسید .

- غروب ده در کویر، با شکوه و عظمتی مرموز فرامي رسد.

- آن جا که آدمي است ، هستي است و آن جا که هستي است ، زندگي است .

ب - آن جا که کلمه یا عبارتي به عنوان توضیح ، عطف بیان یا بدل در ضمن جمله یا عبارتي دیگر آورده مي شود ، مانند :

- پریروز ، روز عید قربان ، به مشهد آمد م .

- ناصر خسرو ، شاعر آزاده، خراساني ، اشعار زهد وپند بسیار گفته است

ج - آن جا که در مورد چند کلمه اسناد و احدي داده مي شود ، مانند :

- آب ، غذا ومسکن از لوازم اولیه، حیات آدمي محسوب مي شود

- پ ، چ ،ژ وگ از حروف خاص فارسي است .

- مثنوي معنوي ، شاهنامه، فردوسي وغزلیات حافظ از امهات متون فارسي است .

د - بین دو کلمه که احتمال می رود خواننده آنها را با کسره، اضافه بخواند ، مانتد :

- هرکه به طاعت ازدیگرآن کم است وبه نعمت بیش ، به صورت توانگر است وبه معني درویش .

هـ - براي جدا کردن اجزاي مختلف نشاني اشخاص یا مرجع و مأخذ یك نوشته، مانند :

- آقاي حسین احمدي ، دانشکدهء پزشکي ، سال چها رم.
- مشهد ، خیابان بزرگمهر، کوچهء یاسمن ، شماره ۷.
- امام محمد غزالی ، کیمیاي سعادت ، تصحیح حسین خد یو جم ، مرکز انتشارات علمي وفرهنگی ، تهران ۱۳٦۲ ج۱، ص ۲۵ .

۳- نقطه - ویرگول (؛)

نقطه - ویرگول ، علامت وقف یا درنگی است بیشتر از ویرگول و کمتر از نقطه ، که در موارد زیر به کار مي رود :

الف - براي جدا کردن عبارتهاي مختلف یك جملهء طولاني که ظاهراً مستقل و لکن در معني با یکدیگر مربوط مي‌باشند ، مانند :

- مشك آن است که خود ببوید ؛ نه آن که عطاربگوید .
- دوست واقعي آن است که یارشاطر باشد؛ نه بار خاطر .

ب – معمولاً در جمله هاي توضيحي و پيش از كلمه هايي از نوع: مثلاً ، يعني ، به عبارت ديگر ، « نقطه – ويرگول » وبعد از آنها «ويرگول » گذاشته مي شود ، مانند :

– بسم الله الرحمن الرحيم ؛ به نام خداوند بخشنده، بخشايشگر.

– عمل هرفردي در گرونيت اوست؛ انما الاعمال بالنيات .

ج – هنگام بر شمردن و تفكيك اجزاي مختلف وابسته به يك حكم كلي ، مانند :

–آثار مولانا جلا ل الدين رومي عبارت است از:

– مثنوي معنوي (٦ دفتر ، تصحيح نيكلسون) ؛ كليات شمس يا ديوان كبير (١٠جلد، تصحيح فروزانفر) ؛ فيه مافيه (تصحيح فروزانفر، بنگاه تر جمه و نشر كتاب)؛ و ...

– وسايل كمك آموزشي يك دانشكده عبارت است از :

كتابخانه اي كه كتابهاي آن به هنگام حاجت در اختيار دانشجويان و استادان قرار بگيرد ؛ آزمايشگاهی كه تئوريهاي علمي را در آن جا به محك تجربه بيازمايند؛ و...

٤ – دونقطه (:)

موارد استفاده از اين علامت به شرح زير است :

الف – قبل از مقول قول ، مانند :

– پيغمبراكرم (ص) مي فرمايد : طلب علم بر هر مسلماني فريضه است .

– حکیمي را گفتند : علم بي عمل به چه ماند ؟ گفت : به زنبوربي عسل .

ب – قبل از تفصیل حکمي که به اجمال بدان اشاره شده است ، مانند :

– درآن سال تحولي بزرگ در مملکت روي داد : سلطنت سقوط کرد و انقلاب پیروزشد .

ج – هنگام بر شمردن یا بیان اجزاي یك چیز، مانند :

– نظر خواندکان محترم را به چند نکته جلب مي کنم : دقت و پشتکار ، حوصله وصرف وقت ، تأ مل و تدبر، و ...

– کتابهایي که در این مؤ سسه چاپ مي شود ، عبارتند از : کتابهاي علمي ، اخلاقي ، متون ادبي وفرهنگي ، و...

د – هنگام معنيٰ کردن کلمه ها ، مانند :

خیره : بیهوده ، گستاخ ، بي شرم . زمره : گروه ، جماعت ، دسته

٥ – علامت نقل قول یا گیومه (« ... »)

این علامت براي نشان دادن ابتدا و انتهاي قول مستقیم کسي غیر از نویسنده است و نیز براي مشخص کردن کلمه یا اصطلاحی ویژه به کار

مي رود .

موارد استفاده از اين علامت به شرح زير است :

الف – وقتي بخواهيم عين سخن يا نوشتهء كسي ديگر را بياوريم ، مانند :

– سعدي مي گويد : « همه كس را عقل خود به كمال نمايد و فرزند به جمال . »

– روح استادم شاد كه مي گفت : « براي مردم زندگی كن وبراي مردم هم بمير. »

يادآوردی ۱ : هرگاه مطلب نقل شده دراز وشـــامل چند بـــند (پاراگراف) باشد ، علامت نقل قول درآغازهر بند وفقط در پا يان بند آخر قرار مي گيرد.

يادآوري ۲ : هرگاه نقل قولی در ضمن نقل قولي ديگر بياوريم ، آن را در ميان علامت نقل قول مفرد (......) قرار مي دهيم ، مانند :

گفت : « نشنيده اي كه پيغمبر اكرم فرموده است : طلب العلم فريضة علي كل مسلم. . »

گفت : « در جايي خوانده ام كه : يا خاموش باش ، يا حرفي بزن كه از خاموشی بهتر باشد . . »

ب – درآغازو انجام كلمه ها واصطلاحهاي تازه ياجعلی يا عاميانه يا كلمه هايي كه مورد تأ كيد قرار مي گيرد ، مانند :

– اهل منطق ، « استقرأ » را استد لالی مي دانند كه ذهن را از حكمي جزئي به حكمي كلي يا از نتيجه به موارد اطلاق آن برساند .

- کلمهء « کولتور» فرنگی رادر فارسي معادل « فرهنگ» گرفته اند .

ج - هنگام ذکر عنوان مقاله ها ورساله ها و اشعار و روزنامه ها وآثارهنری وفصلها وبخشهاي يك کتاب ، مانند :

- باب اول بوستان سعدي ، « در عدل و تدبيروراي » است .

يادآوري : عبارت نقل شده در داخل علامت نقل قول ، نشانه هاي نقطه گذاري خودرا حفظ مي کند وعلامت پا ياني اگر مربوط به جمله يا عبارت نقل شده باشد ، در داخل نشانهء نقل قول مي آيد .

٦ - علامت سؤال (؟)

موارد استعمال اين علامت به شرح زير است :

الف - در پايان جمله هاي پرسشی مستقيم ، مانند :

- کتابتان را که به امانت گرفته بودند ، آوردند ؟

- غذا چه ميل مي کنيد ؟

يادآوري : در پا يان جمله هاي پرسشي غير مستقيم نقطه به کار مي رود ، مانند :

- هرآيه اي که ازطرف خدانازل مي شد ، پيغمبرعلم ومعني آن را مي دانست ومي دانست که چرا وبه چه سبب آمده است .

ب - گاه براي نشان دادن مفهوم ترديد ياريشخند واستهزا اين علامت در داخل پرانتز مي آيد ، مانند :

- تاريخ وفات سنائي غزنوي را ۵۲۵ (؟) نوشته اند .

-برخی از خبر گزاريها اعلام كردند كه: در افغانستان عدالت اجتماعی (؟) برقرار شده است .

يادآوري ۱: هرگاه جمله به صورت استفهام انكاري (پرسش تأكيدی) آمده باشد ، علامت سؤال نمي خواهد .

- نه اين است كه جزاي نيكي نيكي ، و جزاي بدي بدي است .

- چه كسي از عاقبت امور مطلع تواند بود .

يادآوري ۲: هرگاه جملهء سوالي جنبهء خواهش يا تقاضاي مؤدبانه داشته باشد ، علامت پرسش نمي آيد ، مانند :

- اجازه مي فرماييد رفع زحمت كنم .

- ممكن است خواهش كنم دست از سر من برداريد .

ج - علامت سؤال گاهی در پا يان عنوان كتاب يا مقاله و مطلبی قرار مي گيرد كه خود در ضمن جمله اي ديگر مي آيد ، مانند :

- مثنوی پس چه بايد كرد اي اقوام شرق ؟ را اقبال لاهوری سروده است .

- چه بايد كرد ؟ عنوان كتابي است از دكتر علي شريعتی .

د - بعد از هر كلمه يا عبارتي كه جاي جملهء استفهامي مستقيم

را بگیرد، مانند :

- کدام را مي پسندی؟ جنگ ، یا صلح ؟

یادآوري : بعضي علامت سؤال رابه جاي علامت تعجب به کار مي برند که صحیح نیست وبرخي نیز براي نشان دادن تعجب زیاده از حد، دو یا چند علامت سؤال راپشت سر هم مي آورند که آن هم نا صحیح است .

۷ - علامت تعجب (!)

این علامت تنها نشانهء تعجب نیست ، بلکه در پا یان جمله هایي به کار مي رود که مبین یکي از حالات شدید نفساني و عاطفی است ، از قبیل : تعجب ، تأ کید ، تحسین ، تحقیر ، تنفر، ترحم ، استهزا، شك و تردید ، امرونهي ، تهدید ، حسرت ، آروز ، درد و الم ، دعا ..ندا و.... مانند :

- عجب آدم دو رو ودورنگي است !
- کاشکی اندرجهان شب نیستی!
- دریغ است ایران که ویران شود!
- اي دوست!
- آهسته !
- آه !
- بسیارخوب !
- خدالعنتش کند !
- آمدی! خوب کردی!
- کتاب آقا شایستهء دریافت « جایزهء نوبل » است !

۸ - پرانتزیا دوهلال (   )

این علامت کاهی برای نشان دادن عبارتهای توضیحی به کار می رود . مانند :

- الفبای اوستایی (مشتمل بر ٤٤ حرف) از ساده ترین الفبا های جهان است .

- ناصر خسرو قبادیانی (۳۹٤- ٤۸۱ هـ .ق ۱) یک عمر در مبارزه و تبعید گذراند .

- وقتی از معالجه، عضوی مأیوس می شدند ، به قطع وکی (سوختن) آن می پرداختند .

- مجنون ولیلی (یکی از مثنویهای هفت اورنگ جامی) به تقلید از لیلی و مجنون نظامی سروده شده است .

• یادآوری : از به کاربردن دوپرانتز متوالی جز در فرمولهای ریاضی باید خود داری کرد .

۹ - قلاب [   ]

این علامت در موارد زیر به کار می رود :

الف – در تصحیح متون کهن ، الحاق احتمالی که از نسخه بدلها یا از طرف مصحح افزوده می شود ، در داخل قلاب قرار می گیرد ، مانند: – عبودیت همه آفریده ها [را] سبب زمان است (التصفیه ، ص ۱۲۵).

– [شـ -]ـنیدن رعد اندر خواب اگر بی ابر [باشد دلا] لت کند برفتنه و خوف وظلم (التحبیر فی علم التعبیر، ص ۸۵) .

– واستادم – رحمة الله علیه – [بونصرمشکان] به هرات چون دل شکسته ای هسی بود (تاریخ بیهقی ، ص ۱۷٤) .

– شاید که تا این نحس مستمر از ایام ناکامی [۸٤ الف] ۱ من به سر آید ، از من منقطع شوی (مرزبان نامه ، ج ۱ ص ۲۱۱) .

ب – در نمایشنامه ها ، دستور های اجرا یی ، داخل قلاب گذاشته می شود ، مانند :

– حسن [با قیافه ای عصبانی] : من حاضرم جانم رابر سر ایز کار بگذارم .[دستش را روی دلش می گذارد وآهی می کشد] .

۱ – خط فاصله (–)

این نشانه در موارد زیر به کار می رود :

الف – براي مجزا كردن جمله يا عبارت معترضه ، مانند :

– وحسنك را به پاي دار آورند – نعوذ با لله من قضا ءالسوء! – ودوپيك را ايستانيده بودند كه از بغداد آمده اند (تـــاريـخ بيهقى ، ص ۲۲۳) .

– پيغمبر اكرم – صلي الله وآله وسلم – مي فرمايد : ...

– يك روز كامل – واگر ضرورت ايجاب كرد دو روز – مي توانيد صرف اين كار بكنيد .

يادآوري: اگر جمله اي كه بين دو خط فاصله قرار مـي گيرد ، در پا يان مطلب باشد ، انتهاي جمله به نقطه ختم خواهد شد وبه آوردن خط فاصله در آخر جمله نيازي نيست ، مانند :

– نسيم شمال اشعار وطني بسياري سروده است – شعر هايي كه بردل توده ء مردم مي نشست .

ب – در مكالمه بين اشخاص نمايشنامه و داستان ، يا ذكر مكالمه هاي تلفني در ابتداي جمله واز سر سطر به جاي نام گوينده ، مانند :

– سلام آقا .

– سلام عليكم .

– حال شما چه طور است ؟

– بدنيستم ، خدا را شكر .

– ازپدرتان چه خبر داريد ؟

– خبر درستي ندارم ، ديروز نامه اي از او در يافت داشتم

– اگر نامه اي به ايشان نوشتيد ، سلام مرا بر سانيد .

-'به چشم آقا .

یا :

سهراب - درفش که بلند شد نومیدي ریشه کن مي شود .

اهریمن - وچون افتاده برابر بیش از پیش ریشه مي گیرد .

سهراب - این بار نمي افتد . خودت هم مي داني . (تیاله ص ٢٨)

ج - به جاي « از » و « تا » و « به » ، بین تاریخها ، اعداد و کلمه ها ، مانند :

- فروردین - خرداد ١٣٤٣ - (= ازفروردین تا خرداد).

دهه، . ٥ - . ١٣٤(= ازسال . ١٣٤ تا . ١٣٥).

بهره برداري از خط لوله، گاز سرخس - نکا آغازشد .

د - براي نشان دادن بیان ناشي از لکنت زبان ، مانند :

- مـ - مـ - من - بـ - بـ - براي هر نوع - فـ - فـ - فداکاري - حـ - حـ - حاضرم.

هـ - براي جدا کردن هجا هاي یك کلمه در تقطیع یا جدا کردن حروف یك کلمه از یکدیگر ، مانند :

- کلمه، مبارزه ، شامل چهارهجااست :مـ - با - ر - زه .

- کلمه، کتاب ، شامل چهارحرف: کـ - تـ - ا - ب ، مي باشد .

و – براي پيوستن اجزاي يك كلمه دو جزئي مركب ، مانند :

توطئه مشترك امپرياليسم – صهيونيسم

فرهنگ ايراني – اسلامي

دايره سياسي – ايدئولوژيك

علامت نقطه – ويرگول در نقطه گذاري فارسي كستر رايج است .

ز – در پا يان سطری كه نيمي از يك كلمه در انتها ونيم ديگر آن در آغازسطر بعدي مي آيد ، مانند :

پيداست كه تلاش و كوشش و مبارزه‌ء پــي گــير و مستمر ، عمده ترين صفاتي است كه جامعه را پيروز مي كند .

در حقيقت هر چه داريم از اين ملت داريم ، از اين روبايد براي خدمت به آنان تا حد توانايي خود كوشش كنيم .

۱۱ – خط ممتد (ـــــــ)

براي برجسته كردن بعضي از كلمه ها يا عنوانها در دستنوشته ها و نوشته هاي ماشين شده ، زير آن خط كشيده مي شود ، مانند :

– بازگشت به فرهنگ خويش ، چيزي است بر اساس احساس عميق ارزشهای معنوی وانسانی و روح واستعداد خود ما .

– از دانشجويان عزيز تقاضا مي شود ، رأس ساعت ۸ صبح دراتاق شماره ۷ حضورپيدا كنند .

يادآوري : علاوه بر مورد بالا ، در مطالب دستنويسي كه براي چاپ ارسال مي شود ، زيراسم كتابها و مجله ها ومجموعه ها نيز خط مي كشند كه همه اين مورد ها در چاپ با حروف سياه و در صورت امكان با حروف خميده (ايتاليك /ايرانيك) مشخص مي شود .

۱۲ - سه نقطه (...)

مورد استعمال اين علامت به شرح زير است :

الف - به جاي يك يا چند كلمه محذوف ، مانند :

- عصر بي دانشي ، يكسو نگري ، بيكارگي و ... سپري شده است .
- فقر و ناداري و بيكاري و ... از عوامل فساد جامعه است .
- اسد ا ... حسيني دانشجوي سال سوم رشته‌ء اد بيات فارسي .

ب - در تصحيح متون كهن ، آن جا كه مصحح در متن افتادگيها بي مي بيند كه نسخه بدلها درآن جا ساكت است ، مانند :

بازگرديد و كار هاي خويش بسازيد كه آنچه ببايد فرمود ، شما را مي فرماييم آن مدت كه شما را اين جا مقام باشد وآن ... روز خواهد بود (تاريخ بيهقي ، ص ۸۸۳).

ج - هنگام قطع مطلبي كه بخشي از آن نقل شده است ؛ چه قطع در اول عبارت منقول باشد وچه درآخر آن ، مانند :

- ... و حالا پشت دستم را داغ مي كنم كه ديگراز اين كار ها نكنم ، همين يك بار براي هفت پشتم كافي است كه ....![۱]

---

۱ - هرگاه سه نقطه در انتهاي جمله واقع شود ، يك نقطه، ديگر به علامت پايان جمله بايد افزوده شود.

۱۳ - ممیّز (/)

این نشانه در موارد زیر به کار می رود :

الف - برای جدا کردن تاریخهای هجری و میلادی یا شمسی وقمری (سمت راست سنهء هجری و سمت چپ سنهء میلادی) ، مانند :

- ابن بطوطه - جهان گرد مغربی - در ۱۷ رجب ۷۰۳/ ۲۵ فوریه ۱۳۰٤ درطنجه متولّدشد .
- سال ٥٧٤/ ۹ - ۱۱۷۸ اوج منزلت ابن جوزی در بغداد بود .

ب - برای نشان دادن کلمه های معادل که تنها در حرف یا حر وفی از آنها ابدالی یا تخفیفی صورت گرفته است . مانند :

- زروز/ زلوز/زالوز/ زالو
- ساذوان / سایه بان
- سولاخ / سوراخ

١٤ - ایضاً یا علامت تکرار (=/ »)

این علامت به جاي کلمه هاي مشابهي که عیناً در سطر هاي متوالي و با حکمی واحد تکرار مي شود به کارمي رود . مانند :

۱ - آقاي احمد حسيني دانشجوي رشته زبان وادبيات فارسي ، سال سوم

۲ - » حسن شريعت » » » » » » دوم

۳ - خانم زهرامعيني » » » » عرب » اوّل

٤ - » آزاده فرهنگ » » » » انکلیسی » سوم

۱۵ - ستاره (*)

این علامت در موارد زیر به کار مي رود :

الف - براي رجوع به زير نويس (وقتي که در داخل متن ، اعداد به منظور هايي ديگر به کار برده شده است).

ب - اغلب به جاي عبارت : « به همين ماده رجوع شود » در دايرة المعارفها و فرهنگها .

ج - براي ايجاد فاصله ميان اشعار ، بند ها يا پاراگرافهايي که موضوع شان با يکديگر تفاوت دارد . گاه براي منظور اخير ، سه ستاره نيز به کار مي رود .

تذکر : در شعر سنتي فارسی از به کار بردن نشانه هاي سجاوندي کمتر استفاده مي شود ؛ فقط وقتي اين نشانه ها به کار مي رود که بدون آنها خواندن شعر مشکل باشد(۱)



---

(۱)اقتباس از کتاب نگارش و ويرايش چاپ آستان قدس ايران

این قسمت کتاب را به نشر مکاتیب سرور کائنات حضرت محمد مصطفی صلي الله علیه وسلم زینت مي بخشیم :



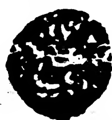
از «مجموعةالوثائق السیاسیه»

متن نامهٔ شریف

بسم‌الله‌الرحمان‌الرحیم. من‌محمد رسول‌الله (ا) لی
المنذر بن‌ساوی. سلام‌علیك. فانی (ا) حمدالله
الیك الذی لااله غیره و(ا) شهدان لا (له ا) لا
الله و انی محمد عبده و رسـ (ـوله) امابعد فانی اذکر
كالله عزوجل فانه من ینصح فانما ینصح (ا) نفسـ (ـه) و من یطع ر
سلی و یتبع امرهم
فقد اط (اعـ) ی و من نصح لهم (فقدنصح‌لی) و
ان رسلی قد اثنوا علیك خیراً لله. الی قد شـ (فـ) ـعتك فی
قومك فاترك للمسلمین ما اسلموا علیه و ء (ـفوت‌عن) اهل
الذنوب فاقبل منهـ (م). و انك‌مهما تصلح فلن نعزلك عن عملك و من
اقام علی (یهو) دیته (ا) و (مجو) سیته فعلیه الجزیه.
الله
رسول
محمد

ترجمهٔ نامهٔ شریف

بنام خدای رحمان‌رحیم. از محمد پیمبر خدا به
منذر پسر ساوی. درود بر تو. من ستایش خدا را
که جز او خدایی نیست برای تو میگویم و گواهی میدهم که خدایی نیست جز
خدای یگانه و من، محمد، بنده و فرستادهٔ اویم، اما بعد به‌یاد تو
میاورم خدای توانای والا را وهر که نیکی خواهد برای خویش خواهد وهرکه مطیع
وفرمانبر رسولان من‌شوداطاعت من‌کرده وهرکه‌نیکی آنهاخواهد نیکی‌مرا خواسته.
فرستادگان من ترا به‌دوستداری خدا ستوده‌اند. من شفاعت ترا دربارهٔ
قومت پذیرفتم. هرچه مسلمانان به‌وقت اسلام داشته‌اند به‌آنها واگذار. گنهکاران
را بخشیدم،
از آنها درگذر. تو نیز تا وقتی بصلاح باشی از کار برکنارت نمیکنم و هرکه
بر یهودیگری یامجوسیگری پایدار ماند جزیه به‌گردن دارد.
خدا
فرستادهٔ
محمد



از «مکاتیب‌الرسول»

متن نامهٔ شریف

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. من محمدعبدالله و ر
سوله الی‌المقوقس عظیم القبط. سلام علی
من‌اتبع‌الهدی. (اما) بعد فانی
ادعوك بدعایة الاسلام فاسلم
تسلم (یؤ) تك‌الله اجرك مرتین
فان تولیت فعلیك اثم کل‌القبط
یا اهل‌الکتاب تعالوا الی کلمة
سواء بیننا و بینکم ان لانعبد الاالله
ولانشرك (به) شیئا (و) لایتخذ بعضنا
بعضا ار (بابا من دون) الله فان

تولوا فقولوا اشهد و ابانا مسـ
لمون.

الله
رسول
محمد

ترجمهٔ نامهٔ شریف

بنام خدای رحمان‌رحیم. از محمد بنده خدا و پـ
یمبر او به متوقس بزرگ قبطیان. درود بر آن‌که
پیرو هدایت شود. امابعد من
ترا بدعوت اسلام میخوانم. مسلمان شو
تا بسلامت مانی و خدا پاداش ترا دوبار دهد
اگر روی بگردانی گناه همه قبطیان بگردن تو است.
ای اهل کتاب بیایید کلمه‌ای را
که میان ما و شماست بپذیرید که جز خدا را نپرستیم
و کسی را با او انباز نکنیم و کسی از ما
کسی دیگر را بجز خدا بخدایی نگیرد و اگر
پشت بکردند بگویید گواه باشید که ما مسـ
ـلمانانیم.

خدا
فرستادهٔ
محمد

نامه های فامیلي

نامهء برادر به برادر

برادر نهایت عزیزم عبد اللّطیف !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

صحت و تندرستي شما به شمول اعضای خانواده از بارگاه اقدس بیچون تمنا داریم وبعد:

نامهء محبت آمیز مرا از فاصلهء دور بپذیر. امید واریم همهء شما به لباس صحت وعزت مستور باشید، خیلی متأسفم که نتوانستم زود به زود برای شما نامهء بنوسیم البته دلیل وانگیزهء آن به شما مبرهن و روشن است که درین یکي دوماه شدیداً مصروف چاپ ونشر کتب بودم وهیچ فرصت میسر نه شد تا نامهء بنوسیم دیگر اینکه نشرات وموادیکه چاپ کرده ام وقتاً فوقتاً به شما فرستادم.

اگر از روی لطف از حال من خواسته باشي لله الحمد الی تحریر مکتوب هذا خوب وسلامت هستم کار طبع همهء کتابها عنقریب روبه اختتام بوده انشاء الله العزیز بمطلق انجام یافتن آن عازم خانه خواهیم شد. ازینطرف با الکل مطمئن باشید.

برادرت ....

نمونهء دیگر :

برادر گرانقدر حمید الله جان !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

شکر الحمد لله الی تحریر رقیمهء هذا صحت داریم وبعد:

نامه ات که مملو از الفت ومحبت بود رسید از مؤفقیت شما در امتحان کانکور

پوهنتون خوشحال شدم خدا کند مانند سابق در درسهای خویش ساعي وکوشان باشید واز پوهنځی انجنیري دیپلوم اعلیٰ حاصل نمائید همهء هموطنان جنگ زده چشم به راه خدمات ارزندهء شما نسل جوان میباشد. همچنان میهن جنت نشان که بعداً به مخروبهء تبدیل شده نیز از شما جوانان با درد امید وآرزوی عمران وآبادي را دارند انشاء الله مؤفق باشید.

برادرت.....

امضاء

نمونهء دیگر:

برادر ارجمندم مسعود جان در حفظ خداوند باشد !

ازینطرف الی تحریر نامهء هذا به کلي خیریت است خدا کند شما هم از نعمت صحت بر خوردار باشید وبعد:

چندی قبل نامهء دلپذیر شما را زیارت کردم افسوس مي کنم که در اثر گرفتاریهای زیاد نتوانستم علی الفور جواب آن را بنویسم.

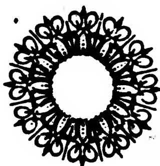
برادرم ! ازینکه در امتحانات سالانه مؤفق شده اید بسیار مسرورم.یکي از بزرگترین سعادت انسان موفقیتهای دوران تحصیل است که ازین راه توشهء برای سعادت وکامیابي آینده فراهم خواهد شد.

باید شکر کرد وقدر این نعمت را دانست که در لیلیهء پوهنتون که بزرگترین آسایشگاه کانون علمي زندگي مي کنید که از هر حیث وسایل راحت شما را فراهم می- کند پس شما نیز وقت را غنیمت شمرده سعی نمائید که بقیه دورهء تحصیل را نیز با مؤفقیت به پـــایان رسانیده وهرچه زودتر خود را به خدمت مردم مظلوم ومهین جنگزده

آماده سازید.

پدر بزرگوارت که با شما أنس وألفت زیاد داشت که به شما افتخار می کرد. پس شما نیز سعي نمائید که از هر جهت نصایح واندرزهاي اورا بخاطر سپرده ضمن تحصیلات خود در کسب فضائل وآداب انساني بکوشید. وروح آن بزرگوار را که همه سرمایهء عمر خود را برای سعادت، وشما بخرج داده بود در عالم ارواح خرسند سازید یا به امید سعادت بیشتر شما.

برادرت ....



نامهء به عمه

عمه جان بزگوارم !

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

هر هفته که نامه های شما می رسید میخواندم ومیدانم چقدر نسبت به ما محبت داري وهرگز از یاد نمی برم که وقت پدر بزرگوارم بیمار بود باچه جان فشاني ها وبي خوابي ها از پدر بیمارم پرستاري کردید. راستي که محبت شما آنقدر در قلب ما جا گرفته که اگر سالها بگذرد وپردهء ایام روی آن را بپوشاند هرگز از خاطر محوه نخواهد شد. قیافهء معصومانهء شما با آن تبسم هاي مادرانه چون فرشته ای برابر چشمان ما مجسم است، خداوند به شما عمر با سعادت وکامراني اعطاء فرماید که همیشه در مواقع تنگدستي وپریشان حالي مانند یك مادر مهربان سایهء خود را برسر ما میانداختید ماهم این محبت-های شما را به یاد داریم وفراموش نمیکنیم. بیشتر ازین وقت شما را نگرفته امید وارم همیشه سلامت و هم آغوش شادماني وسعادت باشید.

برادر زاده ات شفیق

نمونهء دیگر:

عمهء خوب ومهربانم !

ضمن عرض سلام امیدوارم که حال شما وخانوادهء گرامیتان خوب باشد و در تمام شئونات زندگي مؤفق وپایدار باشید.

عمه جان از اینکه چندي است نتوانستم نامه ای برایت بنویسم پوزش می خواهم واین بخاطر گرفتاري در کارهایم بوده است که امیدوارم مرا عفو بفرمائید تمام اهل خانواده خدمت شما سلام می رسانند از قول بنده وخانواده همسر وفرزندانتان سلام برسانید وما را از سلامتي خود آگاه فرمائید.

امضاء برادرزادهء شما

نامهء به بچهء خاله

پسر خالهء عزیزم مأمور صاحب حمد الله جان !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

از روزیکه رفته ای قریب یکسال میگذرد با وصف نامه های متعددیکه به شما ارسال نمودم برای من نامهء نه نوشته ای گاهي فکر میکنم که درین مدت فشار روزگارم آنقدر شما را مصروف نگهداشتید که نخواستي از ما یاد کني خداکند این طور نباشد براي اینکه من ترا از صمیم قلب دوست دارم وگمان نمیکنم در پذیرائي توکه بعد از سالها پیش ما بودي قصوري شده باشد وآنگهي اگر رنجشي در بین بود تابه حال برای من نوشته بودي زیرا من ترا خوب میشناسم ومیدانم کسي نیستي که حسد وکدورت را در دلت را نگاه داري.

درحال منتظرم که با قلم شیرین خود یك نامهٔ مفصل برای ما وتمام خانواده تحریر داشته واین سؤ تفاهم را که شاید از تنبلي تو درنامه نوشتن ناشي شده است، رفع کني.

انسان چه موجود عجیبي است قدر هیچ چیزي را نمیداند وقت در نزدهم ودر آغوش گرم دوستان ا ست این نعمت را نمي شناسد امّا چون این نعمت زایل شد واز دست رفت برای آن تأسف مي خورد.

قلب پاك تو حاکي از یك دنیا صفأ ودوستي است خصوصاً اینکه میدانم نسبت به خانوادهء ما به نظر احترام نگاه میکني بدون پرده میخواهم بگویم که در آینهء خیال من تصویر تو چون فرشتگان آسمان میماند که بال وپر خود را به سوي من کشوده اند وبه مصداق اینکه میگویند «قلب به قلب راه دارد» یقین دارم که تو هم در دل خویش احساس محبت خواهي کرد.

با احترام

دوست شما فرید احمد

نامهء به خواهر

خواهر عزیزم مدیحه جان !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نامه ات رسید واز احساسات پاکت که حاکي از یك دنیا صفا ومحبت بود خرسند گردیدم. دوستي ومحبت خواهر وبرادر چون دریاي خروشان است که هرگز آرام نمی گیرد وهرچند تند باد حوادث به آن بگذرد خروش آن بیشتر مي شود خصوصاً مانند تو خواهر مهربان که براي محبت تمام افراد خانواده، با آن فداکاري هاي عجیب عزت نفس وپاکي قلب خود را نشان داده اي نمیدانم ترابه چه نام صدا کنم. والفت تو را به چه تشبیه نمایم باید گفت عشق پاك که سرچشمه آن از شیر مادر وحرارت کانون خانوادگي جوشیده است.

تمام اعضاء خانواده از کوچك وبزرگ به تو سلام مي پرستند وسعادت وسلامتي تو وهمسر گرامي ات را از خداوند مسئلت دارم.

با احترام

برادرت

نمونهء دیگر:

خواهر مهربان ...... سلامهاي مرا بپذیرید !

خواهر عزیزم امیدوارم صحت وسلامت باشید اگر از احوالات فامیلي خواسته باشید همگي تا تحریر نامهء هذا صحتمند بوده وبه دعا گوئي شما مشغول اندوه وملالي غیر از فراق وجدائی شما نداریم.

دیروز کاکایم به منزل ما آمده واز حال شما جویا بودند وقت مطلع شدند که قرار است

شما در تعطیلات ایام عید قربان به دیدن ما بیائید بسیار مسرور وخوش وقت گردید شما آنقدر دلسوز ومهربان هستید که محبت خود را در دلهای همهء ما جای داده اید دوستان وآشنایان همه روز حال شما رامی پرسند وبه همه نوید داده ایم که انشاء الله در آیندهء نزدیك به دیدار شما نائل خواهد شد.

با احترام

برادرت : وحید

نمونهء دیگر:

خواهر مهربان !

برادرت از راه دور بتو سلام میرساند. من وتو پرورش یافتهٔ یك دامانیم وگلهاي یك بوستان کجا یکدیگر را یاد توانیم کرد ؟

بامهرت سرشته شده ام نزد ما میآمدي وبا دیداری خویش ازین بیتابي و پریشاني آزادم میساختي، جان تو شیریني زندگیرا در دیدار آن خواهر مهربان میجویم، مگر نوازشهاي آسمانیت از یاد میرود ؟ هرگز، هرگز. چند روز است که دیدگان خویش را بدردوخته ام تا مگر در آئي وبا دیدار آن چهره پُر مهر نیروئي گیرم. بازهم در انتظار میگذاري وبکاشانهء برادر نیمآئي ؟

برادرت

امضاء ......

نامهء پدر به پسر

فرزند عزیزم محمد صلاح الدین !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

آنچه راکه خواسته بودي به دست حامل نامهء هذا برای تو فرستادیم از وصول آن اطمنان بدهید وباز سعی دارم از هر حیث وسایل تعلیم وتربیهء تورا فراهم سازم تا بتواني به تحصیل خویش چنانکه لازم است ادامه دهي امّا میخواستم این جانب نه به عنوان یك پدر بلکه به قسم یك دوست صمیمي با تو صحبت کنم.

باید تصدیق کني که من هیچ وقت برای تو منحیث یك پدر دکتاتور وستمگار نبوده ام وهمیشه میخواستم با هم با صمیمیت ویکرنگي تمام زندگي کنیم بین پدر وپسر نباید چنان آداب ورسوم وجود داشته باشد که خدا نکرده از پدر فاصله گیرد.

تو با رفتار اخیر خود حسن همکاري ودوستي مرا نسبت به خود جریحه دار ساخته وبا رفتار ناشایستهء که در برابر کاکایت انجام داده اي خود، امیداواریهای مرا به یأس ونا امیدي مبدل کردي.

باید بداني که گرانبها ترین اوقات زندگي تو همین چند روزی است که برای آینده وسعادت خود توشهء فراهم سازي واگر خواسته باشي از این اوقات گرانبها که برابر بازندگي توست استفاده نکرده واوقات خویش را به لهو ولعب وخدای نخواسته با گردش وروابط با دوستان نا مأنوس وهرجائي بگذراني با دست خودت آیندهء را که ما به این زحمت وشفقت زیاد پایه های آن را فراهم کرده ایم تباه خواهي ساخت. در اجتماع روز دزد به کسي میگویندکه به مال دیگری بدون اجازهء مال، خود دست تجاوز دراز کند حال اگر یك جوان تحصیلکرده بخواهد از وقت خود دزدیده وآنرا به کارهای دیگر صرف نماید حکم همان دزد را خواد داشت که مال ومتاع دیگران تجاوز نموده است.

امید وارم با این اندرزهای پدرانه ودوستانه در رفتار خود تغیر خواهي آورد وانتظارم

دارم در سال آینده با فعالیت بیشتر خسارات سال گذشته را جبران وموجبات مسرت وخوشنودي خانواده ات را فراهم سازي.

مؤفق باشید

نمونهء دیگر:

جگر گوشه ام عبد الحمید جان حفظه الله تعالی !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نامه ات رسید از مطالعهء آن که مشتمل بر نوید صحت شما بود بسیار خوشحال شدم چون نامهء شما تا اندازهء مختصر بود مطابق میل من نیست زیرا دو نفر دوست که از هم دور اند باید نامه های آنها به مانند گفتگوهای شفاهي باشد خصوصاً بین پدر وپسر، پس من هیچ میل ندارم که نامه های تو به صورت رسمي مختصر بوده صرف با احوال پرسي تمام شود.

بناءً نامهء شما باید حاوي کوچکترین پیش آمدهاي زندگي تان بـــوده وما را از آن با خبر نگهدارید.

موضوع مهمتر اینست که باید بین پدر وپسر رسوم آداب رسمي وتشریفاتي از بین برود پدر وپسر مانند دوست گرامي که حضور هم نشسته اند باهم حرف مي زنند و درد دل میکنند احساسات وسرگذشتهاي خود را شرح میدهند وحتماً نباید پسر کوچکترین واقعهء زندگي را از نظر پدر خود که نزدیکترین وبهترین دوست وخیرخواه فرزند است مخفي بدارد.

مخصوصاً بنویسید که وضع مدرسه رفتار استادان وهم صنفان که با شما هستند چگونه است وایام دوران رخصتي خود را چگونه سپري میکنید وکتابهاي را که مطالعه

میکنید از چه نوع میباشد... به همه حال اگر وقایع روزانه خود را به طور تفصیل براي من بنوید پدر خود را در جریان زندگي خود گذاشته ومرا بیش از پیش مسرور خواهید کرد ، در خاتمه شما را به خیر الحفاظا سپرده مؤفق باشید.

پدرت ....

نمونهء دیگر:

پسر ارجمندم احمدشکیب جان !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ضمن اینکه از صحت خویش اطمنان میدهیم تندرستي ومؤفقیت مشارا از بارگاه ایزد متعال تمنا دارم. وبعد:

ارجمندم، مدتي است که از شما نامه ای دریافت نکرده ام ممکن حال شما خوب باشد ولي دلم همیشه میخواهد خودت برایم نامه بنویسي، البته از شما گله نمیکنم زیرا بین پدر وپسر گله وشکایت معنی وجاي ندارد امّا اگر فراموش نکرده باشید سال گذشته که مریض شده ودربستر بیماري افتاده بودي من ومادرت تمام کارهای زندگي را رها کرده وسه ماه پیش تو ماندیم این چیزی نیست وظیفهء هر پدر ومادر همین است وغیر ازین هم نباید باشد ولي مناسب است تو هم یاد بگیري وپدر ومادر خود را هرگز فراموش نکني، همیشه به خاطرت باشد که آنها چقدر در تربیه وتعلیم تو زحمت کشیده اند وتورا تابه این جا رسانده اند مخصوصاً مادر دلسوز ومهربانت شب و روز در فکر تو میباشد.

پس این اخلاق و رویه از جانب تو شایسته و پسندیده نیست که والدین خویش را چند ماه در انتظار بگذارید باید به مطلق رسیدن نامهء هذا احوال خویش را تحریر داشته وهرچه زودتر ارسال نمائید تا خاطر ما آسوده گردد.

پدرت ....

نامهء پسر به پدر

جناب محترم قبله گاه بزرگوارم !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

امیدوارم صحت وسلامت باشید اگر از روي لطف وشفقت پدرانه جویای احوالات بنده باشد الی تحریر کتیبهء هذا خیریت شامل حال است آسوده خاطر باشید.

محترما ! از وقتیکه از نزد شما دور شدم همیشه به یاد شما هستم وشبها حین خواب چهرهء زیبا ومهربان آن پدر بزرگوار را برابر چشمان خود مجسم مي بینم.

از اینکه درین دو هفته نتوانستم عنواني شما نامهء بنویسم خیلي معذرت مي خواهم زیرا امتحانات چهار ونیم ماهه شروع شده وفرصت میسر نمي شد تا نامهء بنویسم.

پدر مهربانم اینك به شما مژده میدهم که از فیوض برکات شما توانستم امتحانات خویش را با مؤفقیت به پایان رسانده وموجبات رضایت وافتخار شما را فراهم سازم، حال که امتحانات با مؤفقیت به اتمام رسیده قرار است تمام هم صنفان مابراي پانزده روز به سیر علمي شهر باستاني هرات شوند بناءً از آن پدر بزرگوارم تقاضاي اجازه ورخصت میخواهم تا من هم همسفر آنها باشم وخستگي ایام امتحانات رفع سازم. منتظرم که به وسیلهء نامهء خود اجازه بدهید تا هفتهء بعد مع الخیر حرکت کنم بیشتر از این وقت گرانبهاي شما را نگرفته التماس دعا دارم.

با احترام

فرزند مطیع شما

نامهء به مادر

والدهء نهایت عزیز ومهربانم حفظکم الله تعالی !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

صحت وطول حیات شما را به شمول سایر اعضای خانواده از خداوند متعال تمنا دارم وبعد:

مادر مهربان ! مدتها است که از شما دورشده ودر نهایت حزن واندوه به سر مي برم حال درك میکنم که ما درچه موجود مهربان وچه نعمت بزرگ الهي است.

در روزهاي که در کنار تو بودم قدر آن روزها را نمیدانستم و در بسیاري موارد از اوامر تو تمرد میکردم واکنون که فرسنگها از تو دور شدم میدانم از چه نعمت گرانبهای ودوست دلسوز محروم گشته ام.

ما در باعث تشفي قلب اولادها است هر وقت دلتنگي وحزن به قلب انسان راه یابد فقط مراجعه به آغوش مادر است که میتواند اندوه خود را فراموش نماید.

مادر جان عزیز ! هر وقت کنار سرك عبور میکنم وبچه هاي خورد سال را می بینم که دست مادرهاي خود را گرفته به گردش مي روند، به یاد آن روزهای طفولیت مي افتم که من هم هنگام در کنار ما در بودم، حسرت می خورم وقت که نزد شما بودم چرا در خدمت تقصیر وکوتاهي کردم.

مادر عزیز ومهربانم ! از اینکه در عالم اسباب، شما وسیلهء به میان آمدن من شده اید ومرا از خون جگر خویش تغذیه نموده وشبهاي طولاني برسر بالین من خواب راحت رابه خود حرام کرده بودي وزمزمهء للو للو گفتنت است تا اکنون در گوشم هست .... هرگز فراموش نخواهم کرد.

مادرم ! آغوش شما نخستین مدرسهء من وشما اولین مربي مابودید که سبق ودرسهای

اساسي زندگي ام را به من تعليم داده ايد.

مادرم ! به يقين ميتوان گفت که آزردگي شما سبب ناخوشنودي خالق ورضايت خاطر شما وسيلهء رحم ومهرباني پروردگار است بناءً اگر تو مرانه بخشي وبه خطاهای که در مقابل تو کرده ام عفو نکني خداوند هرگز مرا نخواهد بخشپد.

امید وارم تقصیر های مرا بخشیده واز دعا های مستجاب خویش فراموش نفرمائید.

فرزند فرمان بردار شما

....



نامهء مادر به فرزند

فرزند عزیزم !

السلام علیکم ورحمة الله وبركاته

انشاء الله هم آغوش سعادت دارین باشید وبعد:

عزیزم: نامه ات رسید وپیام فرح بخش وشیرین آن فرزند دلبندم بردل نشست پیوند من وتو از آن گونه است که سالهاي دوري ومهجوري نمیتواند تصویر آن را از خاطر مایان دور سازد وذرات عروق واحساسات مادر، در محبت فرزند چون مروارید غلطان چنان جا گرفته است که هیچ صنعتگر ماهر نمیتواند بین آن جدائی اندازد ، مادر وفرزند شالودهء از محبت اند وچیزیکه از محبت به وجود آمد سرسخترین بادهای مخالف روزگار هم آن را نابود ساخته نمیتواند.

فرزند من ! تو وجود من وسایهء آرزوی من وامید آیندهء من وتسلي دهندهء شبهاي تاریك وساعات درد ناك من هستي، تو هرچه هستي غیر از من نیستي ومن غیر از تو نیستم، تو ثمرهء حیات من هستي، تو نهال آرزوهاي من هستي، عکس تو نمونهء از من، واحساسات من بارقهء از وجود تو است.

فرزندم! هرچه درمورد أنس وألفت مادر وفرزند بنویسم بازهم کم است فعلاً رویت را از دور بوسیده خداوند یار ویاورتان باد.

مادرت

نامهء به کاکا

عموي بزرگوار!

دیروز نامهء مهر آمیز شما زیارت شد واز محبتهائیکه در ضمن آن نسبت به بنده ابراز فرموده بودید. بینهایت مفتخر گشتم.

اگر همه خویشاوندان ونزدیکان، مثل جنابعالي بفکر آشنایان دور افتاده بودند. هرگز بار زندگي بر دوش انسان، اینقدر سنگیني نمیکرد. امیدوارم که همیشه بیاد ما باشید.

حالِ پدرم بد نیست وهمچنان بامور مغازهء خود رسیدگي مینماید. برادرم نیز که از پوهنتون دیپلم گرفته بود، اخیراً به وزارت معارف در آمده وبماموریت رفته است.

سایر افراد خانواده هم بحمد الله کسالتي نداشته، همگي از محبتهای بی پایان شما سپاسگذار وتوفیقتان را در تمام زندگي خواستارند.

همراه این نامه، یك سبد نا قابل میوه تقدیم گردید که امیدوار است با قبول آن بر همهٔ ما منت گذارید. پدر ومادرم وکلیه افراد فامیل خدمت شما وخانواده گرامي عرض سلام تقدیم میدارند، در انجام اوامر جنابعالي با یکدنیا افتخار حاضرم.

با احترام

امضاء .....

نامهء به ماما

ماماى بزرگوار وعزيز !

ديروز يكي از آشنايان در نامهء خود ، از كسالت وبيماري شما بما خبر داده بود. باور كنيد كه از آنساعت تا كنون، بكلي نور شادماني از خانهء ما وخانهء دلمان رخت بربسته است. درست است كه بيماري وكسالت مسئله عادي زندگي بوده وهركس كم وبيش با آنها سر وكار دارد. ولي من هرچه فكر ميكنم، نميتوانم خود را راضي نمايم كه تن وجان آن ماماى عزيز ومهربان در زير فشار بيماري رنجه گردد.

اميد وارم تا رسيدن اين نامه، اثرى از كسالت در وجود شما نباشد، مخصوصاً مادرم بيش از همه نگران شما است. وديروز هم بهمين مناسبت تلگرافي خدمت تان ارسال كرد. اين كلمه ها زبان حال تمام افراد خانواده است كه مرا مامور نوشتن وتقديم آن كرده اند.

پدر ومادرم وهمه خانواده خدمت شما وخانم محترم تان سلام رسانده وسلامتي جنابعالي را آرزو ميدارند.

دلم ميخواست بيش از اين با شما حرف بزنم، ولى چون هم كسالت داشته وهم وقت عزيز تان اجازه نميدهد، نامه را بسلامتي شما بپايان ميرسانم.

امضاء

نامه ای راجع به فوت مادر

برادر عزیزم!

السلام علیکم ورحمة الله وبركاته

صحت وپیروزي شما آرزوی ماست وبعد:

در چنين حالت هولناك مجبورم وناگزیرم مصیبت بزرگی را به تو اطلاع بدهم، مادر مهربان که تمام حیات خود را وقف ما کرده بود دیروز ساعت ۲ بعد از ظهر داعي اجل را لبیك گفته آهنگ جهان دیگر را کرد، وما را در عالم پُر از یأس ونا امیدي تنها گذاشت.

روزگاریکه در نهایت مسرت وسعادت در آغوش مادر مهربان بودم هیچ به یاد نمی آوردم که یك روز مثل امروز بایك دنیا حسرت ونا امیدي از او جدا شوم.

هنوز اثر نگاه آخرین اورا فراموش نمیکنم او تا آخرین لحظهء حیات افسوس خورد که نتوانست برای آخرین بار ترا ببیند وبا آهنگ که مخصوص محبت مادرانه است به من اشاره نمود که برادرت نیامد، من خدا حافظي اورا به شما ابلاغ میکنم، عوض من با برادرت وداع کنید همین لحظات آخرین زندگي اوبود که پیوسته اسم خداوند جل جلاله ونام شما را به زبان مي آورد ونگاه های معنیٰ دار به من میکرد تا که جان را به جان- آفرین تسلیم نمود.

انا لله وانا الیه راجعون

آه، راستي معنی حقیقي زندگي غیر از تلخي ومرارت چیزي دیگري نیست اگر آدمی سالیان دراز به یك موجود پُر محبت ودوست داشتني علاقمند مي شوند نمیتواند امیدوار باشد که همیشه از آن برخور دار باشد وبه طور ناگهان اورا از عزیز ترین دوستان خود

جدا می سازد.

بیشر ازین وقت شما را نگرفته خدا یار ومدد گار تان.

برادرت ....

پاسخ به نامه ای فوق

برادر گرامي ام !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

نامهء جانگداز که از یك دنیا رنج ونا امیدي حکایت میکرد واصل گردید واز مطالعه-اي آن دانستم که مادر گرامي ما از جهان رفته و رحلت کرده دیگر اورا نخواهیم دید.

درین لحظه اي که برای تو می نویسم سیل اشك از چشمهایم جاري بوده ودرد شدید در قلب وجان خود احساس میکنم حتیٰ که از شدت دردم خامه نیز به لرزه افتاده امّا چاره چیست در مقابل تقدیرات الٰهي جز از تسلیم ورضاً هیچ راهي دیگری نیست.

برادرم این جهان جاي رنج وتاریکي است مسرت وسعادت در آن یافت نمی شود وکسانیکه خیال میکنند تا آخر عمر میتوانند با شادی وشاد کامي زندگی‌کنند اشتباهي است بزرگ فکري است خام.

بهر حال مصیبت وارده در خانوادهء مابه قدر بزرگ وتأثر آور است که حدی بر آن متصور نیست امّا باید عادت کنیم که در مقابل همچون حوادث وپیش‌آمدهاي سخت وناگوار روزگار صبر وتحمل داشته باشیم زیرا غیر این کاری از دست ما ساخته نیست.

برادرم خواهش میکنم که شما به جای تألم وتأثر کمر همت بسته کرده در رسیدگی وسرپرستي خانه ومنزل همت را از دست ندهید به برادران وخواهران گرامي ودیگر اعضاي فامیل از طرف من مراتب تسلیت نیز برسانید وبه همهء آنها توصیه کنید که صبر وبرده-

باري را درهمه حال پیشهء خود ساخته ودر مقابل تقدير الٰهي سر تسليم وتعظيم فرود آرند.

بشتر ازين وقت تان را نگرفته براي والدهء گرامي طلب مغفرت نموده سعادت وطول عمر شما را خواهانيم.

برادرت ....



نامهء به مادر

والدهء مشفق ومهربانم !

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

درحاليكه وسيلهء نامهء هذا از صحت خويش اطمنان ميدهم خداكند شماهم به لباس صحت مستور باشيد وبعد:

مادر نهايت عزيز ! راستي كه فراق وجدائي از پدر ومادر چقدر مشكل است از حينيكه از نزد شما آمده ام يك دقيقه نميتوانم تورا از ياد ببرم واحسانات تورا فراموش نمايم، هميشه چهرهء پر محبت وخندان تو برابر چشمم مجسم است گرچه مصروفيت درسها وملاقات دوستان اينجاهي تا اندازه اي مرا مشغول ساخته امّا چون تو بامن نيستي به من خوش نميگذرد.

مادر مهربانم ! نصايح سود مند شما هيچگاه فراموشم نميشود.

بيشتر ازين وقت شما نگرفته خدا نگهدار التجاي ودعا دارم.

پسرت ....

نامه های عمومي

نامهء شاگرد به استاد

استاد عاليقدر محترم ....

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

صحت وتندرستي شما را توأم با مؤفقيت در وظيفهء محولهء خويش از بارگاه قادر لايزال تمنا داريم وبعد:

استاد دانشمند، نصايح واندرز های استادانيکه مانند پدر مهربان باما رفتار ميكردند هرگز از ياد نميرود، فراموش نميكنم وقتيكه يك شاگرد خود را به درس حاضر نميكرد يا در انجام ونوشتن كار خانگي غفلت وتنبلي مـــي ورزيد چقدر شــما ناراحت مي شديد چون درحين تحصيل قدر گفته های شما را نمي دانستيم وفكر نميكرديم كه شما چقدر برای سعادت وترقي ما زحمت ميكشيديد، به ياد دارم كه روزي در صنف راجع به جنگ هاي اول، دوم وسوم افغان وانگليس معلومات مفصل ارائيه نموديد وهمهء شاگردان از آن بهره وفايده كافي بردند راستي اگر ما مدرسه نمي آمديم چه مي شديم مانند بچه-های نادان وجاهل در كوچه ها سر گردان بوديم امّا از روزيكه قدم به صحن مدرسه گذاشته ايم ديدن چهره های استادان مهربان ومدير مدرسه با آن محبت سرشار مارا تشويق مينمودند.

استاد گرانقدر خيلي از وقت گرانبهای شما را گرفتم بيشتر از اين باعث درد سر وسبب ضياع وقت شما نه شده خداوند حافظ وناصر تان باد.

شاگرد مطيع شما

نامهء گله آمیز به دوست

دوست عزیزم شفیق الله !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

آرزومندم لباس صحت در بر داشته قرین سعادت ومؤفقیت باشید وبعد:

با اینکه در مدت توقف واقامت شما درین شهر همیشه سعي میکردم مراتب رضایت شما را که از بهترین دوستان من بودید فراهم نمایم و تمام افراد خانوادهء ما نیز از کوچك وبزرگ در اداي وظیفهء دوستي وآشنائی کوتاهي نمیکردند مع هذا با کمال تأسف از روزیکه به سفر رفته اید براي ما هیچ نامه نه نوشته وحتیٰ تمام نامه هاي مرا نیز بدون جواب گذاشته اید.

هرچه فکر میکنم علت وموجبهء این بی مهري شما را نمیدانم گاهی هم ممکن شدت وازدیاد گرفتاري مانع ازین باشد که به نامه های ما پاسخ بدهید ولی به عقیدهء من در مورد دوستان بسیار نزدیك وصمیمي، حرف چند وقت نباید زیاد پر زحمت باشد.

در اوقاتیکه نزد ما مهمان بودید همیشه میگفتید که در هر جا بروید ما را فراموش نخواهید کرد امّا به قول معروف «از دل برود هر آنکه از دیده برفت» پس از اینکه از ما دور شدید تمام آن عهد وپیمان ها را فرمواش شده ومدتها است که دوستان خود را از نوشتن چند سطر وفرستادن احوال خود محروم ساخته اید. امید وارم هرچه زودتر گرفتاریهای شما رفع شده وبازهم از دوستان قدیم خویش یادی بکنیم ویقین بدانید ما هرگز شمارا فرمواش نخواهیم کرد.

اگر در یمني پیش مني

واگر پیش مني در یمني

با احترام

دوست شما

نامه ای یك سیاست مدار به سیاست مدار دیگر

دانشمند دراك آقاي ....

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

روز بد را نبینید .

از دور دستت را فشارمیدهم وصبحانه گرم برایت میخواهم فضای این منطقه جهان سخت ابر آلوده تیره وتار بنظر میرسد ، حتي گفته میشود که طوفاني در حال نطفه بستن است ، میدانیم که سیاست امروز نود فیصد روی منافع اقتصادي تکیه می کند ، راستي هم مردم نان میخواهند ، ونمیشود که بسان روس ها دروازه نان پزي را مسدود گردانند واعلان بلند بالای به آن در وازه تعلیق کنند که : نان خلاص شد ویا برای اطفال شیر نداریم که باید غربي ها به داد آنها برسند ، میداني که این سیاست اقتصادي غرب است که روسیه را با آنکه در زراعت دست کم از امریکا ندارد ولی امروز کاسه گدائي را بدست می گیرد و در ویزه کند ، تهاجم روسیه بر افغانستا ن هر چند علت اولي گرسنگي گفته میشود ، ولي نفرت مردم از حکومت کمونستي علت دیگری است که وقتی دهاقین میخواهند ما حصل زحمات خود را به ماسکو نقل دهند ، بوجي وخریطه ها را شگاف می کنند تا آنچه در بوجي است همه در راه بریزد و دانه ی از آن به ماسکو نرسد، نظر دیگري می افگنیم به حالت خلیج ، واضح است که امریکا و روس ، جرمن و فرانسه ومتحدین آنها طوري نیستند که از غم عربستان سعودي واما کن مقدسه مسلمانان خواب ندارند ، بلکه منافع نفتي آنها است که باساز و سامانه خود چون مور وملخ دشت وصحرای عربستان را زیر بال طیاره وعراده هاي تانگ خود مي گذارند ، واضح است که عراق دوست روسیه وفرانسه است ولی میخواهند برای بدست آوردن نفت ، دوست دیرینه خود را پامال کنند ودیگر کشور های خلیج را درس خود گذري برای امریکا وغرب بدهند تا از جان مال خود در برابر اشارهٔ آنها بگذارند وبفهمند که در صورت نی

گفتن به سرنوشت عراق گرفتار میشوند .

در منطقه که ما قرار داریم ، امریکائي ها کمك های خودرا به بهانه اینکه آنها میخواهند بمب هاي ذروي بسازند قطع مي کند تا مجاهدین را نیز تحت فشار قرار دهند ورنه چي معني دارد که امریکا خودش برای یهود بمب ذروي می سازند وبدستش میدهد ، در برابر فعالیت ذروي هند خاموشي اختیار می کند ، خودش وهم پیمانان او در هرماه چندین بمب ذروي آماده می گردانند ، ولي اگر یك مملکت اسلامي فرض می کنیم به ساختن این بمب می پردازد آنها همه دیوانه میشوند ، فابریکه عراق را توسط یهودیها ویران می کنند ولي یهود را درین راه کمك می نمایند .

مسئله افغانستان رابرای خوش نگهداشتن گوربه چف در حال مخمصهء قرار میدهند تا مجاهدین مجبور گردند، حکومت دست نشانْدهء روس نزدیك شوند، حکومتي که باید در برابر ارتکاب صد ها جنایت خود محاکمه گردد ، راستي گفته اند:

سیاست بازي نیز نوعی از جنون است که سیاست مداران را باید تحت تداوي قرار دهند وتحویل دیوانه خانه گردانند.

شکر که خودت سیاست مدار کهنه کار نیستي وحالا نیز اول وقت است تا از این آش وکاسه دست بر داري وسیاست سالم را پیروي نمائي که در آن دروغ ومنافقت نباشد بلکه، بخیر جهان ومنطقه تمام گردد .

امید وارم مؤفق باشي

برادرت مرزا ....

نامه اي به صاحب امتياز جريده....

برادر عزيز وگرامي ام مصلح الدين !

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته !

چندی قبل اطلاع يافتم كه تصميم داريد به منظور انجام خدمات مؤثرتر در راه جهاد فكري وبه جهت جلب علاقه مندي بيشتر جوانان به ارزش هاي دين سعادت بخش اسلام جريده اي تأسيس نماييد .

جاي افتخار ومباهات است كه به لُطف الٰهي به اين آرزو نايل شديد وخوشبختانه اولين شمارهء جريدهء زيبای تان تحت نام «راه راست» توسط دوست من وشما ، برادر حامد بدستم رسيد . ومجامله نخواهد بود اگر بگويم بديدن آن چشم روشن ودلم باغ باغ شگفت. جريده را مطالعه نمودم همه مطالب آن از سر مقاله گرفته تا تبصره وخبرها گزارش هاي جهادي وبه خصوص مضامين ديني آن دلچسپ وخواند ني به نظر رسيد در قطع وصحافت وترتيب مضامين ومطالب مندرج آن اصولي ومعيار های ژورناليزم معاصره در نظر گرفته شده است كه بيانگر قريحهء عالي واستعداد برازندهٔ آن برادر ارجمند به مثابهء مدير مسئول جريده وسائر همكاران ميباشد واين موُفقيت را به شما وهمه كارمندان جريده تبريك ميگويم .

نكته اي كه درينجا قابل تذكر ميدانيم ومتيقنيم كه بر اساس بينش عميق وتجارب كافي كه در زمينه نامه نگاري داريد به آن متوجه ميباشيد اين است كه : در جوامع ديموكراسي از آزادي قلم بسيار صحبت ميشود و واقعاً اين اصل داري ارزش خاصي در چگونگي موقف سياسي واجتماعي يك جامعه ميباشد ولي اين آزادي بدان معنى نيست كه از خود حدود وقيد وشرطي نداشته وانسان هرچه ميخواهد بگويد وهرچه ميخواهد بنويسد ، دشنام دهد ، تهمت بندد ، مرتكب افترا شود وبر كرامت طبعي وفطري كه هر انسان از آن بر خوردار است بتازد .

قدرت تعبیر از مافی الضمیر توسط قلم بزرگترین نعمت معنوي است که خداوند (ج) به انسان عطا میفرماید ورعایت ادب وعفت قلم ازوجایب اولي نویسنده واز حقوق اساسي این نعمت عظیم میباشد . دشنام ونا سزا واستعمال الفاظ رکیك اگر در گفتار است یا نوشته ، جرم بزرگ شمرده میشود ومیتوان گفت : که قباحت آن در نوشته نسبت به گفتار شدید تراست . متأسفانه این اصل دربرخي جراید به خصوص نشریه هاي که بیانگر اندیشه های معین سیاسي اند کمتر مراعات میشود ومبارزات فکري وایدیالوژیکي ازین طریق که مسلمان نامعقول وغیر منطقي است پیش برده میشود .

امید وارم جریدهء «راه راست» ازین کجي ونقص بزرگ مبرا باشد وبدو دلیل درین زمینه مطمئن میباشیم : یکي اینکه جریدهء موقر تان قسمي که از اهداف آن انتظار است یك نشریهء آزاد، دیني واسلامي میباشد ودوم شخصیت ادبي وسوابق نیك اجتماعي واخلاص آن برادر است که یقیناً اجازه نخواهد داد از نعمت قلم سوء استفاده به عمل آید وصفحات پاك جریده بامطالب غرض آلود ومنافي آداب معاشرت سیاه گردد وصحنه براي تبادل هذیان ها وبیهوده گوئي ها قرار گیرد. والبته ملاحظهء نخستین شمارهء آن میرساند که : سالي که نیکوست از بهارش پیداست

به امید مؤفقیت بیشتر تان

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

برادرتان خیرخواه

شرح لغات :

ژورنالیزم : فن نامه نگاري

مافي الضمیر : آنچه دردل انسان میگذرد .

هذیان : حرف های نا مفهوم ونا مربوط .

نامهء یك پهلوان به پهلوان دیگر

بنام خداوند قوي وتوانا

مهربانم کاکه شمشم خان پهلوان !!

سلاماليكم از عمر بر خوردار باشي ودماغت چاق وياران گفته اند که : پیزارت پت - پتي ونول مرغت تیز وبکیلي از بودنه ات دور باد .

کاغذت رسید . کاغذی که از هر لای آن رشادت ودلاوري سرمی کشید واز گرز افراسیاب سخن می گفت واز تبرزین جوهر نشانت بیاد میداد .

شم شم خان پهلوان !! یاران اینجائي از یاران آنجائي یاد می کنن واز هر کاره پهلواني بخیر باد گرم میرسانند ، شوربای کله وپاچه مجلس ارای دودي کشان خاکسار اس بوته فقیر که یاد گاري است از بابه قوي مستان که نامش زنده باد ودودش بلند با آواز دوتار بچي سیفو از مقامات گپ میزنه، اگر آزرده نشوي دعوتت کنیم به گوشت لاندي ، تا استخوانهایت رنگ گیره وبروتهایت را توان بخشه.

کاکه شم شم خان : کمرت درد نکنه ، لنگوته مشدي ات رسید وما را کم خود ساختي ، حقت بالاي ابرو ، شکرانه اش رامي فرستیم تا درمیان حریفان ابرویت بجا باشه ودستت بلند .

کاکه شم شم خان ! کاروبارت پرثمر باد ، شنیدیم که با بچي عینوي نال بند دو میدان گسو رفته اي ، میدانیم بازو انت فولادین است وتاب مشتت را للو وپنجو نداره ، نام افراسیاب را زنده کدي مبارکت باد ، لیکن گفته اي که :

من وگزر ومیدان ویل سرخ رنگ
نهیب وخروش وخرسي قطبي وجنگ
به جست وبه خیز وبه مشت ولگد
سر و گردن روسیان وفرنگ

مبارکت باد ، حق داري بروتت رايك قبضه تاب دهي و وسمه بريشت افگني وبا گرز هفت مني بميدانت ببينيم ، پهلواني مردانگي اس واين كار از سياه سر ها ساخته نيس ، بچي عينوی نال بلند كجا وكاكه شم شم كجا .

دست بالاكرده ايم كه ملك آمين بگويند كه در هيچ ميدان رنگ زرد نباشي ، بچيم پنجه ات قوي وبازوانت فولادين ، ازما ياد كني ، نامردي دركتاب مردان نيس ، بگذار نا مردي براى نامردان باشه .

باز ميگيم : كاكه شم شم خان بياد خدا باشي

برادرت : كفر شكن از شتر خانه ....

نمونهء قباله بیع جائزي وقطعي

حدود تمامي یك قطعه زمین زراعتي صالح الزراعت واقع قریهء کرم خیل ولسوالي غوربند ولایت پروان:

شرقاً متصل است زمین زراعتي ملکیت احمد خان ولد .... قوم .... ساکن ....

غربًا پیوست است به باغ انگوري ملکیت بائع .

شمالاً ملحق است براه عام .

جنوبًا متصل است به جوی آبخورهء عام .

اقرار واعتراف صحیح وشرعي نمود برضا ورغبت در حال صحت عقل ونفاذ جمیع تصرفات شرعیه خود عبدالله ولد فیروز ساکن کرم خیل ولسوالي غوربند ولایت پروان براینکه فروخته زمین محدودهء فوق الذکر ملکیت خودرا در بدل مبلغ شش هزار افغاني پول رائج الوقت افغانستان که مناصفهء آن سه هزار افغاني میشود بالای سید رحـــیم ولد خان محمد ساکن مذکور به بیع جایزي وفا، مع الاذن بالانتفاع وثمن مبیعه متذکره را از مشتري مذکور کاملاً اخذ وقبض شرعي نمودم که پولي از آن بر ذمه اش باقي نماند است ودر اقرار خود صادق میباشم .

مقرله مذکور حاضر بود واقرار مذکور را برای خودش قبول نمود . اقرارمذکور به حضور شهود ظاهر العدالت صورت گرفت .

محل امضاء مقر

محل امضاء مقرله

محل امضاء شاهدان مجلس

نوت : در قبالهء بیع قطعي عوض جمله (فروختم به بیع جائزي وفا، مع الاذن

بالانتفاع) نگاشته شود که (فروختم به بیع بات قطعي جازمي ولازمي عاريًا عن مواعدة الفسخ والوفاء)

شرح لغات :

بيع جازمي يا بيع وفا : آنچه در عرف بنام گروي معروف است .

اذن به انتفاع : اجازه بايع به مشتري كه از مبيعه استفاده كند .

ثمن : پولی كه درمقابل مبيعه پرداخته ميشود .

بيع بات :بيع قطعي .

جازمي ولازمي : بيع قطعي .

عاريا عن ...... : خريدار وفروشنده قرار نگذاشته اند كه بيع را در آينده فسخ كنند.



نمونهء حجت قرض حسنه

اقرار واعتراف صحیح وشرعي میدارم من بندهء الله عبدالله ولد عبد الکریم قوم دراني ساکن قریهء شیخ آباد مربوط ولسوالي خان آباد ولایت کندز براینکه مبلغ پنج هزار افغاني که مناصفهء آن دو هزارو پیجصد افغاني میشود از مال خالص عبد الکریم ولد محمد کریم وساکن مذکور بزمه ام از درك قرض حسنه دین ثابت ولازم الاداء میباشد که مثل مبلغ مذکور را عند المطالبه بدون عذر وحیله به دائن مذکور تادیه میدارم در اقرار خود صادق میباشم .

اقرار مذکور برضا ورغبت در حال عقل ونفاذ جمیع تصرفات شرعیه مقر در محضر شهود ظاهر العدالت و دارای اهلیت شرعي صورت گرفت . ومقر له در حالیکه دارای اهلیت شرعي بود اقرار مقر را برای خود قبول نمود تاریخ / /۱۳۶۹

امضاء ونشان شصت مقر　　　　امضاء یانشان شصت مقرله

امضاء یانشان شصت شهود مجلس

شرح لغات :

لازم الاداء : آنچه ادایش لازم است .

دائن : قرض دهنده .

مقر : اقرار کننده .

مقرله : آنکه به نفع او اقرار میشود .

نفاذ جمیع تصرفات شرعیه : اقرار کننده شرعًا حق تصرف در ملکیت خود دارد .

شهود : جمع شاهد

ظاهر العدالت : کسیکه در ظاهر-عادل وصادق به نظر رسد .

نامه های تجارتي

نامه های تجارتي حتی المقدور به الفاظ ساده وكوتاه باشد از ذكر جمله های اضافي كه باعث سنگيني عبارات شده ومفهوم آنرا از بين مي برد، خود داري كنيد درين نامه-های بغير از مسائل تجارتي ومعاملات ديگر چيز نبايد نوشته شود.

اعلان خانه كرائي

يك دربند حويلي دومنزله مشتمل بر هشت اطاق نشيمن مجهز با برق، نل آب، تيليفون وتمام وسائل لازم به كرايه داده می شود شائقين ميتوانند همه روزه از ساعت ٨ الی ١٢ قبل از ظهر به منزل مـــذكور واقع حيصهء دوم ســـيد نورمحمد شـــاه مينه خانه نمبر .... مراجعه نمايند.

يابه تيليفون نمبر .... رابطه قايم كند.

تقاضای طلب دين

دوست وهمكارم محترم .... بسلامت باشيد !

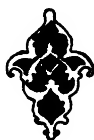
محترما ! با سابقهء خلوص وحسن معاملات كه بين كتابفروشي كابل وجناب شما موجود است اميد واريم كه الی اخير عمر اين رشته باقي بماند. چون بنده درين ايام از هرحيث در مضيقهء مالي قرار داريم لذا خواهشمنديم مبلغ يكصد هزار افغاني مندرج بل عـــــــ تاريخي / / را تا اخير برج جاري ارسال واينجانب را قرين احسان خويش فرمائيد.

با تقديم احترام

اعلان شرکت ساختماني

به آگاهي مؤسسات، دولتي وشخصي رسانيده مى شود که شرکت ساختماني خيام تحت نظر انجينران ماهر و ورزيده کشور جديداً تأسيس و شروع به فعاليت کرده است براى هرنوع خدمات ساختماني وبنائي آماده خدمت ميباشد غرض معلومات بيشتر به دفتر شرکت واقع ارپارتمان ۲ . ۲ واقع حيصه، اول جاده، ميوند مراجعه نمائيد.

تيليفون ...... تماس حاصل نمائيد.



عرایض

درخواست ماموریت

بمقام محترم ریاست پشتني تجارتي بانك !

این جانب با داشتن سابقه ای ۱۰ ساله در امور حساب وبانك داري وبلدیت ومهارت در کمپیوتر وآشنائي بازبان انگلیسي، میخواهم در صورت ضرورت وکمبود درین بانك بحیث مأمور توظیف ومقرر شوم.

بااحترام

معرفي خط

به اداره، محترم مجله، عرفان !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

محترما : به اغتنام از فرصت، محترم وحید الله لسانسه پوهنځي ادبیات پوهنتون کابل از دوستان قدیمي این جانب بوده به شما معرفي مینمایم موصوف تحصیلات عالي خویش را در رشته، ادبیات دري در دانشگاه تهران به پایان رسانده وتقریباً ده (۱۰) سال در دوران هجرت بحیث استاد در پوهنتون دعوت وجهاد واقع پشاور ایفای وظیفه نموده در پهلوی تدریس مقاله های بیشمار او در جراید ومجلات کشور نیز به نشر رسیده است بناءً موصوف از هر جهت شایستگي آنرا دارد که در دفتر مجله، وزین عرفان بحیث عضو هیئات تحریر استخدام گردد واین جانب را رهین منت بی پایان خود بفرمائید.

با تقدیم احترام

برادرت ....

اجازه نامهء افتتاح دواخانه

به وزارت محترم صحت عامه دولت اسلامي افغانستان !

محترما ! این جانب درسال ۱۳۷٤ هـ ش دیپلوم لسانس را از پوهنځي فارمسي دواسازي پوهنتون کابل بدست آورده وقصد تأسیس یك باب دواخانه در حیصهء دوم جادهء میوند کابل، داریم خواهشمند است به مرجع مربوطه دستور فرمائید تا طبق مقررات، اجازهء تأسیس یك باب دواخانه به نام این جانب صادر نمائید.

باتقدیم احترام

دکتور ....

عریضهء معاش پیشکي

به مدیریت معاشات محترم مؤسسات صحي پوهنتون !

محترما ! طوریکه اطلاع دارید منزل مسکوني بنده با تمام لوازم آن در جنگ اخیر دولت وحزب وحدت، طعمهء حریق شده که ازین ناحیه موجبات ناراحتي این جانب را از هر حیث فراهم کرده است بدین جهت در مقام تقاضا بر آمده استدعا دارم، بالای شعبهء مربوطه امر تادیه معاش پنج ماهه ام را عنایت فرمائید وبه اقساط متعدد از معاش ماهواره ام وضع گردد.

باتقدیم احترام

مأمور ....

عريضهٔ نصب تيليفون

به مقام محترم وزارت مخابرات دولت اسلامي افغانستان !

محترما ! اينجانب به منظور رفع مشكلات روزمرهء خويش به نصب يك پايه تيليفون در منزل خويش ضرورت مبرم دارم خواهشمندم به شعبهء مربوطه امر اتصال لين تيليفون به منزل نمبر ...... واقع سرك اول حيصهء دوم رحمان مينه ملكيت اين جانب عنايت فرموده ممنون فرمائيد.

محل امضاء

....

عريضهٔ نل آب

به رياست محترم آب رساني شهر كابل !

محترما ! يك دربند حويلي ملكيت شخصي اين جانب در پروژهء شهادت كالوني موقعيت دارد، فاقد آب نوشيدني است بناءً موضوع خدمت عرض شد تا به مرجع مربوطه امر تمديد واتصال نل آب، صادر فرموده ممنون سازيد.

با احترام

عريضهٔ مقرري

بمقام محترم وزارت عدليهء دولت اسلامي افغانستان !

محترما : بنده درسال ...... از شعبه فقه وقانون پوهنځی شرعيات پوهنتون كابل فارغ و شهادت نامهء لسانس را اخذ نمودم و تا اكنون بحيث استاد در پوهنځي متذكره ايفاى وظيفه مينمايم ولى فعلاً نظر به علاقه مندي خاص كه به امور څارندوالي داريم

میخواهم درین وزارت استخدام شوم آرزومندیم بالای شعبهء مربوطه امر تقرري ام عنایت فرموده ممنون سازید.

با تقدیم احترام

....

عریضهء رخصت

به ریاست محترم تربیهء معلم وزارت تعلیم وتربیه دولت اسلامي افغانستان !

نظر به پیش آمد حادثهء غیر مترقبه که براي این جانب پیش آمده نمیتوانم مدت یك هفته به وظیفه محولهء خویش حاضر شوم اینکه موضوع اطلاعاً عرض شد تا غیر حاضر محسوب نشوم.

با احترام

رقعهء مریضي

به ادارهٔ محترم لیسهٔ ابن سینا!

محترما ! اینجانب تقریباً از مدت ده (۱۰) روز به این طرف به بیماري جگر مبتلا بوده وتحت تداوي قرار دارم وطبق نظر دکتور معالج باید مدت دو هفتهء دیگر نیز استراحت بنمایم بدینوسیله موضوع خدمت عرض شد متمنی است دستور فرمائید ایام غیابت رخصتي قانوني این جانب محاسبه گردد.

باتقدیم احترام

رقعهء رخصتي سالانه

به مقام محترم رياست محكمهء ولايت كابل !

نظر به اينكه اينجانب به معيت خانوادهء خويش براى مدتى عازم مسافرت به خارج از كشور ميباشم لذا متمنى است با يك ماه رخصتي سالانهء اين جانب موافقت فرمايند.

با احترام

عريضهٔ تفاضاى كار

به مقام محترم وزارت پلان !

با نهايت احترام به عرض مى رسانم بر اينكه اين جانب داراى شهادتنامهء لسانس در رشتهء علوم اداري بوده ومدت ده (١٠) سال در دواير مختلف وزارت تعليم وتربيه انجام وظيفه نموده ام حاضرم دريكي از شعبات آن وزارت مشغول كار شوم متمنى ام در صورت امكان احكام استخدام اينجانب را صادر فرمائيد.

باتقديم احترام

نمونهء ديگر:

به رياست محترم دافغانستان بانك !

اينجانب كه چندين سال در شركتهاى مهم شهر كابل به امور حسابداري ودفتر داري اشتغال داشته وشهادتنامهء ليسانس در رشتهء اقتصاد نيز به دست دارم لذا از آن مقام تقاضا دارم در صورت كمبودات بنده را به شغل مناسب مقرر فرمائيد از لطف تان بعيد نخواهد بود.

با تقديم احترام

....

عریضهء پاسپورت

به مدیریت محترم پاسپورت ولایت کابل !

محترما ! نظر به اینکه این جانب با خانوادهء خویش به منظور زیارت آقارب خود عازم کشور ٙجمهوري اسلامي ایران میباشم بناءً استدعا دارم بالاي شعبهء مربوطه امر صدور پاسپورت اینجانب وخانواده ام را، عنایت فرموده ممنون سازید.

باتقدیم احترام

....



مکاتیب رسمي اداري

جناب محترم رئیس اداري ولایت کابل !

مکتوب نمبر ع ـــــــــ که مزین به امضاي وزیر صاحب داخله بوده واصل ومینگارد راپور عواید ومصارف شعبات مربوطهء خویش را در سال ١٣ هـ ش هرچه عاجل تهیه وبه مقام مستوفیت ارسال نمائید تا غرض اجراءات بعدي به مقام محترم وزارت تقدیم گردد.

راپور اداري

به ریاست محترم مجادلهء ملاریا وزارت صحت عامه !

محترما ! این جانب که طبق احکام صادرهء مؤرخ ٢٠ حوت ١٣٥٦ آن مقام به ولایت لوگر توظیف شده بودم اینکه وظیفه ومأموریت خویش را در منطقه متذکره بحیث مستحضر دربخش مجادله ملاریا به انجام رسانده وگذارش مفصل اجراآت با تصدیق مسؤلین اداري آن محل غرض اجراآت بعدي تقدیم است نا گفته نماند به شعبهء مربوطه احکام صادر فرموده تا معاش دوماهه وسفریهء رفت وآمد این جانب را نیز اجراء وپرداخت نمائید.

باتقدیم احترام

....

پیشنهاد عنواني وزیر

بمقام محترم وزارت تعلیم وتربیه. دولت اسلامي افغانستان !

محترما ریاست نصاب تعلیمي این وزارت به منظور چاپ ونشر کتب مورد نیاز مکاتب ولیسه هاي خویش به یك پایه ماشین چاپ رولند انگلیسي و سایز ۳٦ X ۲۳ ضرورت مبرم دارد بناءً مراتب بدینوسیله معروض میگردد چنانچه لازم میبینید به موجب تعمیل است.

با احترام

رئیس ....نصاب تعلیمي

هدایت وزیر به مادون

به ریاست محترم استخدام نگاشته مي شود که هرچه زود تر فهرست وشهرت مکمل از مأمورین این وزارت که مستحق ترفیعات سالانه باشند، تهیه وغرض اجراآت بعدي به مقام وزارت ارسال فرمائید.

به جواب مکتوب

بمقام محتر م وزارت .... دولت اسلامي افغانستان !

محترما ! طبق احکام صادرهء مکتوب نمبر عــــــــــ تاریخي / /

معروض میگردد اینکه اشخاص که درسال جاري مستحق ترفیع مي شود تعداد آنها به ۸۰ نفربالغ گردیده ولست مکمل آن در صد ورق تهیه و ضمیمهء نامهء هذا غرض ملاحظهء جناب عالی تقدیم است چنانچه امر فرمائید در حدود مقررات به جریان گذاشته خواهد شد.

با احترام

رئیس استخدام

به مأموریت پولیس

به مأموریت محترم پولیس حوزهء اول امنیتي شهرکابل !

محترما ! قرار است محفلی به مناسبت توزیع اطلاع نامه های امتحان سالانه در این لیسه دایر گردد بناءً موضوع به آگاهي شما رسانده شد. تا یك تعداد افراد خویش را غرض تأمین امنیت به ادارهء این لیسه فرستاده این جانب را سپاس گذار فرمائید.

مدیر لیسه

به مقام صدارت عظمیٰ

به مقام محترم صدارت عظمی دولت اسلامي افغانستان !

محترما ! به اطاعت واجراي احکام صادرهء مؤرخ / /١٣٧٤ ارقام است مبني بر تعیین خسارات واردهء از اثر جنگ بین دولت و افراد صدر اعظم، به مطبعهء دولتي کابل ذیلاً عرض میرسد:

هیئت مرکب از وزارت داخله، وزارت مالیه، وزارت دفاع و وزارت اطلاعات وکلتور به تاریخ ١٥ جدی ١٣٧٣ به محل مأموریت رفته پس از رسیده گي های لازم ومشاهدهء بقایای ماشین هاي سوخته لازم تقریباً در حدود صد پایه، ماشین های مختلف النوع طباعتي ویا مشاهدهء خاکستر فلم ودیگر اساس ولوازم آن خسارهء واردهء مطبعهء کابل به مبلغ تقریباً به میلیارد افغاني بالغ میگردد که فهرست جامعي از کلیه ماشین آلات ودیگر اثاثیه وتعمیر منهدم شده در دوصد ورق تکمیل گردید مراتب را به وسیلهء نامهء هذا غرض اجراآت بعدي تقدیم است.

باتقدیم احترام

....

قسمتی از القاب وعنوانها

١ - بمقام محترم رياست جمهوري دولت اسلامي افغانستان

٢ - جناب محترم رئيس جمهور دولت اسلامي افغانستان

٣ - بمقام محترم وزارت تعليم وتربيه

٤ - جناب محترم وزير صاحب

٥ - بمقام محترم رياست آب وبرق

٦ - جناب محترم صدر اعظم دولت اسلامي

٧ - بمقام محترم صدارت عظمى دولت اسلامي

٨ - بحضور والي صاحب كابل

دعوت نامه ها

١ - دعوت به ختم قرآن کریم :

بسم الله الرحمن الرحيم

ان هذا القران يهدي للتي هي اقوم

برادر.........................

السلام عليكم

آرزومنديم ، روز جمعه مؤرخ ١٥ جدي ١٣٦٠ به اشتراك خود در محفل ختم قرآن كريم مارا مسرور گردانند .

ساعت ٩بجه

خانه نمبر ٤ ـ سرك دوم مهاجر كالوني

روبروي مسجد جامع قُبا

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

برادرت ....

٢ - دعوت به عروسي :

بسم الله الرحمن الرحيم

برادرمحترم ....

السلام عليكم ورحمتالله وبركاته

تشريف آوري شما در محفل عروسي ارجمند.............. آرزومنديم .

آدرس :

مهاجر كالــوني، سرك دوم روبـــــروي نمايندگي ....اســـلامي،

خانه نمبر (٥) کوچه اول

ساعت ٤بجه عصر پنج شنبه ١٥/ برج عقرب .١٣٦

ارادت مند شما (   )

نمونهء دیگر:

بنام خداوند بزرگ وتوانا

ازمحترم ____________ خواهشمندیم که قبول زحمت فرموده

بمناسبت مجلس ____________

روز ______ ساعت ______ مؤرخه ______ برج جاري

تشریف آورده ممنون سازید . بااحترام

ازطرف : ____________

آدرس : ____________

نوت : ____________

٤ - دعوت اشتراک به مراسم جنازه :

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله وانا الیه راجعون

برادر عزت مند ....

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

مراسم نماز جنازه .... رحمة الله علیه ساعت دو بجه بعد از ظهر روز ١٥ قوس برگزار مي گردد ، تشریف آوري شما را به این آدرس آرزومندیم .

مهاجر كالوني واقع ويرانه آباد

ناحيه اول ـ كوچه نمبر٤

خانه هفتم در جوار مسجد آوارگان

والسلام عليكم ورحمة الله

....

محل امضاء

٥ - دعوت به مهماني

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم ورحمة الله

برادر بزرگوارم ....

شما را به اشتراك در محفلى تكليف ميدهيم كه اميد وارم سبب گردد تا دوستان ديرنه از نزديك باهم ببينيد وعهد اخوت اسلامي را تجديد نما يند وفرا موشي ها را كنار بگذارند وآزوردگي ها را بر طرف گردانند ويكبار ديگر بدانند كه اخوت اسلامي ودوست داشتن همديگر خاص براى حصول رضاى خداوند اجر بزرگى دارد .

با احترام

محل امضاء

....

نمونهء دیگر:

برادر محترم !

از زماني است كه برادر ما .... از برادر ديگر ما .... فاصله گرفته است وفكر ميشود رنجش در ميان باشد ومن نخواستم بيش از اين دو دوست صميمي را از همديگر جدا بينم در حاليكه كه كينه داشتن باهمديگر بيش از سه روز جواز نداشته واسلام نميخواهد آزردگي ها ادامه يابد ، چه بهتر از اين كه بتوانيم با تشريف آوري ياران همدلي ، از نزديك جوياى احوال همديگر باشيم وبتوانيم از برادر خود ..... خان كه در همين نزديكي ها از جبهه باز گشته است وفاميل اورا وضع نا گوار اقتصادي رنج ميدهيم ، چاره تدارك گردد واز ايشان دستگيري بعمل آيد .

با احترام

محل امضاء

....



تبریکات

نمونهء از تبریکات:

محترم ....

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حلول سال نو رابه شما وسایر اعضاء خانواده تبریك گفته صحت همهء شمایان را از خداوند مسئلت مینمایم.

با احترام

....

نمونهء دیگر:

محترم ....

تقرر آنجناب را به بست وزارت محترم معارف از صمیم قلب عرض نموده ومؤفقیت شما را در راه خدمت به اسلام عزیز وکشور از بارگاه احدیت مسئلت مینمایم.

با احترام

محل امضاء

نمونهء دیگر :

« عید مبارك باد »

تبریکات صمیمانه ام را بپذیر.

سعادت، سلامتي و سرافرازي ترا درسال نو آرز مندیم.

بهترین خوشیهای را براي تو وکسانیکه دوستشان میداري، آرزو می کنم.

سال نو را بتو و دوستانت تبریك میگویم.

دوست عزیز

اکنون که با طلوع خورشید فرخنده‌ء نوروزي، روزگار، جواني را از سر گرفته، منهم سر سبزي وشکفتگي، تندرستي وشادماني ترا خواستارم.

دوست گرامي، حلول سال جدید را غنیمت شمرده، بهترین شادباشهاي خود را خدمت جناب عالي وفامیل ارجمند تان تقدیم میداریم.

برادرگر امي مفتخرم که بمناسبت تحویل سال، تبریکات صمیمانه ام در پیشگاه عالي مقبول افتد.

محل امضاء

نمونه‌ء دیگر:

بمناسبت فرا رسیدن نوروز سال نو موقع را مغتنم شمرده بهترین تبریکات مخلصانه‌ء خود را تقدیم وامیدواریم ایام هجرت را به مسرت وخوشي سپري نمائید.

با احترام

محل امضاء

نمونه‌ء دیگر:

به میمنت ومبارکي حلول عید سعید فطر خالص ترین تبریکات خود را با قلب پاك بحضور مبارك تقدیم میداریم. وامیدوار هستم در زندگي خوش از موفقیتهاي بیشتری برخوردار باشید.

با احترام

محل امضاء

نمونهء دیگر:

محترم ....

اکنون که ایام سعید قربان فرا رسیده امید وارم که اسمعیل وابرهیم وار در پیشگاه خالق خود آماده قرباني باشیم، آرزومندیم تبریکات مارا به همین مناسبت پذیرفته قرین سعادت دارین باشید.

با احترام

محل امضاء

نمونهء دیگر:

پدر بزرگوارم !

از راه دور دست شما را بوسیده ودر آستانهء این سال نو، سلامتي خانواده را در سایهء تندرستي ومؤفقیت شما: ازخداوند آرزو مینمایم.

بااحترام

محل امضاء

نمونهء دیگر:

مادر مهر پرورم !

چقدر متأسفم که امسال بواسطه دوري از کابل از دستبوسي شما که بهترین عیدي منست محرومم. از خدا میخواهم که سالهای سال، سایهء پرمحبت برسرما باشد. کاش میتوانستم جان خود را بعنوان ناقابل ترین هدیه ها بتو تقدیم نمایم.

بدینوسیله بهترین تبریکات واحسانات قلبیم رابه آن مادر عزیز تقدیم داشته، طول عمر وسلامتیت را آرزو مندیم.

پسرت .....

محل امضاء

نمونهء دیگر:

دوست والاي مقام !

برای دستبوسي شما آمدم، از بخت بد تشریف نداشتید، بدینوسیله سال نو را بشما تبریك گفته وتندرستي آندوست محترم و خاندان جلیل را از خداوند مسئلت مینمایم.

با احترام

محل امضاء

....

نمونهء دیگر:

دوست محترم ....

پیوند فرخندهء جنابعالي را باخانوادهء محترم .... تبریك گفته، خوشبختي و روز بهي را برای شما وهمسر ارجمند تان آرزو مینمایم.

با احترام

دوستدار ....

نمونهء دیگر:

دوست گرانمایه ....

بمناسبت تولد نو رسیده عزیزتان، بشما شاد باش گفته، از خداوند میخواهم که زیر سایه تربیت وتوجه شما ومادر گرامیش، برای برومند وشاداب بوده وچراغ خانوادگي را روشن نگاه دارد.

باحترام

امضا

....

نمونهء دیگر:

ارجمند عزیز ....

شرمنده ام که بواسطه گرفتاري، افتخار شرفیابي وتبریك حضوري را ندارم، بدینوسیله بیست وچهارمین سال تولد جنابعالي را بهمه دوستان تبریك گفته، طول عمر وکامیابي شما را برای سالهای سال از درگاه ایزد متعال آرزو مینمایم.

با احترام

ارادتمند دیرین.....

نمونهء دیگر:

در این تجدید سال بینهایت مفتخرم که تبریکات صمیمانه ام در پیشگاه محترم شما مورد قبول واقع گردد.

با احترام

محل امضاء ....

نمونهء دیگر:

تبریکات صمیمانهء خود را بمناسبت فرا رسیدن سال نو تقدیم میدارم.

با احترام

محل امضاء .....

نمونهء دیگر:

تبریکات صمیمانهء خود را بمناسبت فرا رسیدن سال نو همراه با بهترین احساسات وسپاسگذاري های قلبي بحضور آن استاد بزرگوار تقدیم میدارم.

با احترام

شا گرد شما .....

نمونهء دیگر:

.... سلامتي ومؤفقیت جناب عالي را در سال نو آرزو مندیم.

نام.......

نمونهء دیگر:

انتخاب جناب ...... را که از خادمین صدیق جامعه اند بریاست .... صمیمانه تبریك عرض نموده امید واریم که مؤفق بانجام خدمات سودمند اجتماعي بزرگی گردند.

با احترام

نام.......

نمونهء دیگر:

از لطف ومحبت جنابعالي ممنون ومتشکرم.

از طرف ....

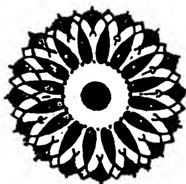
نمونهء دیگر:

از حسن نیت والطاف آن دوست مهربان نهایت تشکر دارم.

من نیز به نوبهء خود نیل بمقاصد را برای جنابعالي از حضرت احدیت خواستارم.

با احترام

امضاء



نامه های تسلیت

جناب محترم مأمور صاحب !

با نهایت تأسف وفات صبیهء مغفوره .... را به جناب شما وسایر باز-ماندگان آن مرحومه تسلیت عرض مینمایم.

امضاء

....

نمونهء دیگر:

برادر عزیزم !

در مصیبت وارده به فامیل شریف شما، شریك وسهیم بوده بقای عمر آن جناب وخانوادهء معظم را از درگاه ایزد متعال مسئلت مینمایم.

امضاء

....

نمونهء دیگر:

دوست نهایت عزیزم !

از استماع خبر درگذشت ابوي گرامي بي نهایت متأثر شدم براي متوفي اجر عظیم وبقای عمر شما ووابستگان از درگاه احدیت مسئلت مینمایم.

محل امضاء

....

نمونهء دیگر:

برادر نهایت صمیمي ام !

با نهایت تأثر و تأسف فوت وفقدان مادر بزرگوار تان را تسلیت عرض نموده وبقای عمر جناب شما وسایر بازماندگان آن مرحومه را از خداوند مسئلت مینمایم.

امضاء

....

نمونهء دیگر:

دوست نهایت عزیز وگرامي ام درحفظ خداوند بوده باشید

ضمن اینکه از صحت خویش اطمنان داده تحفهء سلام هاي صمیمانه را بپذیرید وبعد:

میدانم که مصیبت بزرگي به شما روی داده وگوهر بسا گرانبهای از دست شما رفته است، شنیدن خبر تأثر آور برای من نیز مصیبت عظیم بوده وباکمال صداقت میخواهم بگویم وبنویسم که من قلباً درین حادثهء ناگوار با شما سهیم وغمشریك هستم.

من خودم نیز به این درد گفتار بوده ام ومیدانم که انسان در برابر همچون مسائل بزرگ به هیچ وسیله نمیتواند خود را تشفیع وتسلي دهد امّا با قدرت اراده عظیم راسخ وبردباري میتوان قلب دردمند را تسلیت داد.

برای برادر مرحوم شما از خداوند بزرگ طلب مغفرت نموده شما وسایر متعلقین به سلامت باشید.

این جهان خانهء است که ما بیش از چند صباحی در آن زندگ نمیکنیم، همه چیز جهان را تمام وکمال وتابه آخر به ماندادہ اند باید عادت کنیم که در برابر رنج ها ومصیبت-های بزرگ صبر وتحمل راپیشهء خود سازیم.

با احترام

دوست شما

نمونهء دیگر:

بسم الله الرحمن الرحیم

بزرگوارم مهربان .... وفامیل محترم ایشان !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خبر شهادت برادر ایثار گر عزیز ومجاهد خودرا در روز نامه ....خواندم وخیلی متأثر گردیدم . به راستي او میتوانست که دشمنان دین را درس عبرتی دهد از عالم ما رخت برسته است ولی مسرور اینکه او به مقصد نهایي اش که حصول رضای خدا(ج) است واصل شد.

برادر محترم وبزرگوارم !

مرگ یك امر طبیعي است هر که به دنیا پانهاد روزي ، مرگ هم به سراغش می آید . پیامبران عظام علیهم الصلاة والسلام وهمه دوستان خدا (ج) این را راه طی کرده وبه مُلك جاودان شتافته اند ولی مرگ براي کساني خوش آیند است که آرزو کنند باز زنده شوند ودر راه خدا سردهند وآن شهید است .

مرگ شهید مرگ نیست ونمیتوان شهید را مرده دانست ، بلکه آنها زنده اند ونزد خداوند روزي میخورند چه زیباست شهادت در راه خدا که خدا آنرا نصیب ما نیز گرداند تا زندگي سعـــاد تمندی نصیب ماگردد آن مــــرگ زیر لحاف که با عـــجز ونا توانی همراه باشد.

برادر محترم !

مرگ هر چند شرافتمندانه باشد باز هم باز ماندگان ناگوار است ولی وقتی انسان فکر نماید تأثر در مورد امری که تأثر نتواند آنرا جبیره نماید ، بیجا است .

من امید وارم که بفامیل محترم مقام اهل صبر نصیب گردد وخداوند در برابر ناگواری های زندگي پاداش نیکي با یشان عطا فرماید .

مارا غم شریك خود بدانید ، خداوند مهربان پاداش واجر بزرگ نصیب گرداند .

والسلام علیکم ورحمة الله

با احترام

برادرت...............

نمونهء دیگر:

بسم الله الرحمن الرحیم

برادران من ....وفامیل داغدیدهٔ شما !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

خبر نابهنگام وفات جناب بزرگوارم .... برایم رسید ومن به این مناسبت به همه برادران عزیز وفامیل محترم شان تسلیت عرض نموده وبرای حضرت بزرگواراز خداوند مهربان طلب مغفرت نموده ورضای خدا(ج) را برایش آرزو میکنم .

زندگي خواب وخیالي بیش نیست وآنچه راکه انسان بعد از مرگ بجا می گذارد همانا عمل صالح ونام نیك است ، نامی که باعث بلندي باز ماندگان می گردد ، جناب .... بزرگوارم عمري را در خدمت برای مردم مسلمان سپري نموده ومصدر خیر کثیري گردیده است ، برای او کفایت می کند سندی باشد تا خداوند دوبرابر کار های خیری که انجام داده اند ، پاداش بزرگی نصیب ایشان گرداند. زندگي برای آنست تا انسان خودرا بشناسد وپروردگار خودرا ، عبادت خداوندي را بجا آورد ودر خدمت مردم ومعاونت بیچارگان قرار داشته باشد وآنچه در اختیار اوست از دیگران دریغ ننماید که اینهمه

نمونهء دیگر:

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران من ....وفامیل داغدیده شما !

السلام عليكم ورحمة الله وتركاته

خبر نابهنگام وفات جناب بزرگوار .... برایم رسید ومن به این مناسبت به همه برادران عزیز وفامیل محترم شان تسلیت عرض نموده وبرای حضرت بزرگواراز خداوند مهربان طلب مغفرت نموده ورضای خدا(ج) را برایش آرزو میکنم .

زندگي خواب وخیالی بیش نیست وآنچه راکه انسان بعد از مرگ بجا می گذارد همانا عمل صالح ونام نیك است ، نامی که باعث بلندي باز ماندگان می گردد ، جناب .... بزرگوارم عمری را در خدمت برای مردم مسلمان سپري نموده ومصدر خیر کثیری گردیده است ، برای او کفایت می کند سندی باشد تا خداوند دوبرابر کار های خیری که انجام داده اند ، پاداش بزرگی نصیب ایشان گرداند، زندگي برای آنست تا انسان خودرا بشناسد وپروردگار خودرا ، عبادت خداوندي را بجا آورد ودر خدمت مردم ومعاونت بیچارگان قرار داشته باشد وآنچه در اختیار اوست از دیگران دریغ ننماید که اینهمه صفات در وجود ایشان دیده می شد وانسانی بود مهربان ودستگیر بینوایان .

من سیمای ملکوتي وخندان او را هیچوقت فراموش نمی کنم ، چهرهء که انسان از دیدن آن مسرور مي گردید .

شخصی که از خود اولاد صالح بجا می گذارد ، دیگر چه آرزوی خواهد داشت ، اولاد که ثواب اعمال نیك آنها برای پدر برسد ودعای خیر بشنود شما که الحمد لله جانشین پدر خود هستید ، یقین کامل دارم که روشن کننده چراغ او هستید وان شاء الله بهمان راهی گام بر میدارید که ایشان رفته بودند وبرای مردم ومحیط ، شهر وقریه خود مصدر خیر می شدند .

از خداوند بی نیاز استدعاء می نمایم تا برکت اعمال ایشان را نصیب شما نیز گرداند تا بجای یك چراغ ، چندین چراغ علم ودانش وخیر وبرکت داشته باشیم .

برای ایشان جنت عالي میخواهم که به فضل ومرحمت خود بر ما رحم فرماید .

والسلام علیکم ورحمة الله

برادر شما ....

نمونهء دیگر:

دوست عزیزم !

مرگ ناگهاني پدر بزرگوارت من وهمه ای کسانیرا که بسجایای اخلاق آن مرحوم آگاه بودند، داغدار ومصیبت زده ساخت. من خود را در این ضایعهء اسفناك سهیم وشریك دانسته شادي روح فقید سعید و بقای بازماندگان را از یزدان پاك خواهانم.

دوست شما

امضاء ......

نمونهء دیگر:

دوست داغدیده ام، از شنیدن خبر جانگداز فقدان .... گرامي شما بی نهایت متأسف گردیده خود را قلباً در این مصیبت بزرگ شریك میدانم گرچه تحمل این درد از عهدهء روح وقلب حساس شما خارج است، ولی امیدواریم که برای شادي روح پرفتوح آن مرحوم صبر وشکیبائي پیش گیرید. بنیاد عمر همهء ما بر آب وباد نهاده شده - از طی راه درد ناك چاره ای واز نوشیدن این شربت ناگوار گریزی نداریم.

دوست تو ....

نمونهء دیگر:

دوست محنت کشیده ام!

در گذشت همسرت مرا بی اندازه متأسف ومتأثر ساخت. البته در برابر مشیت پروردگار جز تسلیم و بردباري گریزی نیست، من خود را شریك اندوه شما دانسته مصیبت وارده را تسلیت میگویم واز خداوند بزرگ صبر جمیل برای آن خاندان ارجمند مسئلت می کنم.

با احترام

دوست شما

امضاء

نمونهء دیگر:

دوست غمدیده ام!

خبر در گذشت برادر ناکامت، قلب مرا پریشان وخانه ما را پرغـــم ومحنت ساخته است. تأثر ونگراني مرا بهمه بازماندگان ابلاغ کن. از خداوند صبر جمیل برای تو وآنها آرزو مندم.

با احترام

امضاء

نمونهء دیگر:

برادرم!

فقدان سفناك پدر ارجمندت، بمنزلهء از دست رفتن بهترین عزیزان من بود. نه تنها من

بلکه همهء دوستان از این مصیبت، داغدار ودلشکسته اند. من بیش از همه خود را در این مصیبت عظیم شریك و دمساز میدانم. شادي روح آن مرحوم وبقای تو وسایر بازماندگان را از خداوند مسئلت مینمایم.

امضاء......

نمونهء دیگر:

برادران نهایت ارجمند گرامي !   حفظکم الله !

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته وبعد:

بدین وسیله سلام ها واحترمات قلبي خویش را حضور شما وتمام اعضای خانواده وارجمندي تقدیم داشته اولتر از همه صحت، مؤفقیت وسعادت دارین شما را از بارگاه خالق لایزال مسئلت نموده توسط پرزه هذا از صحتمندي خود و دوستان این جا اطمینان میدهم.

برادران محترم حاجي چمن بای مدتی قبل به ایران تشریف آوردند احوالات صحتمندي شما را جویا شدم طور شفاهي اطمینان دادند خیلی ها خوشحال شدم زیرا مدت زیادی شده بود کدام احوال واطلاع دقیقي نداشتم از وفات جناب مولوي صاحب قبله گاه محترم حکایه کردند خیلی ها متأثر شدم البته وفات عالم رباني وفاضل متقي لیل القدر را به شما وجمله اعضای خانواده تسلیت عرض نموده از خداوند منان برایشان علو درجات وجنات الفردوس را مسئلت نموده وبرای شما صبر واجر جزیل را خواهانم البته خود شماها عالم هستید باساس آیات متبرکه خداوند «إذا جاء اجلهم لایستأخرون ساعة ولایستقدمون» ویا «کل شئ هالك الا وجهه» این دار فاني به هیچ کسي وفا وبقای ندارد خوشا بسعادت کسیکه از خود باقیات صالحات مانند شاگردان عالم وعامل تربیه نمایند

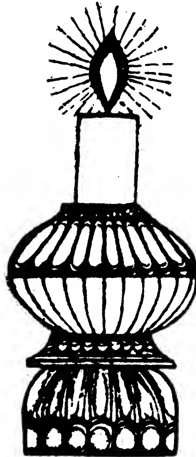
ومثل شما ها فرزندان صالح ونیکو داشته باشند.

در خاتمه شمارا به خیر الحفاظ سپرده سعادت دارین شما را آرزو دارم.

امضاء

برادر شما عبد القیوم کریمي

از مشهد



اعلان فاتحه

نسبت وفات .... به اطلاع دوستان و آشنایان آن مرحوم رسانیده می شود که مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه از ساعت ۸ الی ۱۲ بتاریخ ۲۵**جوزا** ۱۳۷٤ در مسجد شاه دو شمشیرهٔ"[٤]"برگذار میگردد، از دوستان محترم تقاضا می شود با تشریف فرمائی خود. روح آنرا شاد و باز ماندگان آن مرحوم را رهین منت خود فرمائید.

محل امضأ ......



نمونهء از اعلان مفقودي

به آگاهي تمام انس وجن رسانیده میشود که وارث حقیقي افغانستان مفقود گردیده واز مدت (۱۸) سال باینطرف لادرك است مشخصات او قرار ذیل است:

- نام افغان
- دین اسلام
- به شجاعت ودلــیري شهرت داشته، در طــول تاریخ سبب زوال چندین امپراطوري گشته.

اگر کسی دیده باشد ویا خود این اعلان را بخواند هرچه زودتر به خانه بر گردد که مادر وطن از غم فراق او در بستر مرگ افتاده آخرین نفسهای زندگي خود را میکشد، آنرا از هلاکت نجات دهد.

اگر وی بزودی بخانه حاضر نگردد مادر وطن ازین مرض مهلك زندگي را پدرود خواهد گفت، وهمسایه گان ناسپاس تمام میراث او را به بیرحمي تقسیم خواهند کرد.

آدرس: ویــــرانهء بنام افغانستان، پــــروژه خون آبه، کوچهء ماتمسرا، منزل نمبرـــــــ

(۱)

(۱) اقتباس از مجله حریت